

راه توده

تشریح و تحلیل حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۶ دی ۱۳۶۲ مطابق
۶ ژانویه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۷۳
پهنا: ۴۰؛ عرض: ۶۰

بحران اقتصادی و سیاسی در میهن ما بازتاب تحکیم مواضع رژیم سرمایه داری وابسته در ایران است! • جبهه متحد خلق تنها ضامن نجات انقلاب است!

در سند اصلی پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره وضع جهان، ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی آمده است:

"چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیای نظام منحن سرمایه داری وابسته تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیای مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسوئی هر چه بیشتر با دولت امپریالیستی تظاهر می کند، جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است."

قطعنامه در باره جوانب گوناگون بحران اجتماعی - اقتصادی جامعه ما می افزاید:
"تورم فزاینده، گرانی سرسام آور، افزایش سریع هزینه زندگی، بیگاری فراگیر، ادامه مهاجرت روستائیان از هستی ساقط شده به شهرها، گسترش فساد، اختلاس، غارت بی سابقه " تروریست های اقتصادی " تحت حمایت هیئت حاکمه تشدید وابستگی صنعتی، افزایش سریع واردات کالا های مصرفی و محصولات کشاورزی در عین کاهش بی وقعه صادرات و بالاخره بقیه در صفحه ۶

تفسیری از پروا دا:

این کار به سود چه کسی است؟

تبر حلال، بار دیگر جان میهن دوستان واقعی را تهدید می کند

جنایتی هولناک علیه دانش، فرهنگ ایرانی و زبان فارسی

• دست نوشته ۱۴ اثر چاپ نشده رفیق احسان طبری بدستور حاکمیت جمهوری اسلامی نابود شد

این روزها اطلاع یافتیم که ما موران دستگاه های امنیتی ج ۱۰، ضمن مصادره اموال شخصی توده های ایران، از جمله روی یک گنجینه بزرگ فرهنگ ایرانی دست گذاشته اند: دست نوشته چهارده اثر چاپ نشده رفیق احسان طبری بقیه در صفحه ۱۰

پیام تبریک هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور بمناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان:

«محاكمة افسران میهن دوست و توده ای های در بند در بی دادگاه های نظامی را متوقف کنید!»

ادامه برپائی دادگاه های فرمایشی افسران آزادی خواه و توده ای های در بند موجب اعتراض و همبستگی جهانیان را برانگیخته است. این اعتراضات که به وسیله تلگراف، تلفن، نامه و پیام به اطلاع سردمداران ج ۱۰ می رسد، همچنان بی پاسخ مانده است. ما موران حکومتی سفارت-خانه های ج ۱۰ در کشورهای مختلف با برخورد بقیه در صفحه ۵

دیوان بلخ

«دادگاه انقلاب اسلامی ارتش» طبق کدام قانون و مقررات و کیفر ارتش مصوب مجلس شورای اسلامی عمل می کند؟!

محاكمة افسران میهن دوست در بیدادگاه های رژیم ادامه دارد. جنایت هولناک جدیدی در حال تکوین است. سران ج ۱۰ درصد دند با این عمل ضد انسانی افکار عمومی را از پی آمد های مخرب سیاست عمیقاً ضد خلقی احیاء مواضع اقتصادی و سیاسی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در کشور منحرف سازند. حکام شرع، با زیر پا گذاشتن همه موازین اخلاقی و اصول مقررات دادرسی مورد پذیرش جوامع متقدم و نیز لگد مال کردن اصول قانون اساسی ج ۱۰، بار دیگر در پهنه عمل ماهیت ضد دمکراتیک رژیم را در انظار مردم ایران و جهان به نمایش گذارده اند.

اطلاعات مربوط به جریان دادرسی قربانیان رژیم، که به مانند دوران رژیم شاه مخلصان و بخشنامه ها و فرمایشی در رسانه های گروهی زیر سانسور انتشار می یابد، به طور عمده عبارت است از تکرار موارد اتهام واهی و بی اساس از زبان رئیس دادگاه و دادستان. حتی این اطلاعات ناقص و یک جانبه موعید آنست که محاكمة افسران میهن دوست در "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" به دلایل زیرین فاقد کوچکترین ارزش از لحاظ اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و قضائی است:

۱- "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" طبق کدام قانون و مقررات دادرسی کیفر ارتش مصوب مجلس شورای اسلامی عمل می کند؟

حسای تردید نیست که این دادگاه خلف دادگاه نظامی دوران رژیم منحن گذشته است. بقیه در صفحه ۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

دیوان بلخ

بقیه از صفحه ۱

از آنجا که تا کنون هیچ قانون و مقررات جدید دادرسی و کیفر ارتش برای اطلاع عموم در رسانه های گروهی انتشار نیافته باید نتیجه گرفت - از قوانین و مقررات سابق استفاده می شود - در این صورت "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" لزوماً "قانون دادرسی و کیفر ارتش" مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ را رهنمود عمل خود قرار داده است - متأسفانه باید گفت

سران ج ۱۰ - حتی موازین مندرج در این قانون ارتجعی را هم در جریان محاکمه افسران میهن - دست نادیده گرفته اند -

شاید گفته شود، اسلام قوانین دادرسی ویژه خود را دارد - این ادعا ناصحیح است - در اسلام اصول محاکمات مدون وجود ندارد و تا زمانی که چنین قوانین و مقررات، تدوین و تصویب و اعلام نگردیده این محاکمات غیرقانونی اند - زیرا یکی از اصول عمده جزائی مورد قبول در سراسر جهان حاکی از اینست که هیچ جرم و مجازاتی بدون قانون قبلی نمی تواند به قوم پیوندد -

این اصل، برای نخستین بار از طرف فاشیست ها در آلمان هیتلری زیر پا گذارد شد - هیتلر و دستیارانش می گفتند: هیچ جرمی نیست، که مجازات نشود - حکام شرع درج ۱۰ نیز از این نظر فاشیستی پیروی می کنند - بدینسان قربانیان رژیم از هیچگونه تضمین قانونی دادرسی و دفاعی برخوردار نیستند -

"محارب و مفسد فی الارض"؟!

۲- آقای اتاپکی دادستان دادگاه نظامی، مجازات "محارب و مفسد فی الارض" را برای متهمین از ریاست دادگاه تقاضا کرده است - "محارب و مفسد فی الارض" اصطلاحی کشدار و نامفهوم و بی حد و مرز است - از قاچاقچیان مواد مخدر گرفته تا مخالفین سیاسی شخصیت های ج ۱۰ - "محارب و مفسد فی الارض" محسوب می شوند و جزایشان اعدام است وانگهی تا کنون در هیچ يك از قوانین مصوب و اعلام شده مجلس شورا هیچ گونه تعریفی از این اصطلاح نشده و معیار و ملاک تشخیص اینکه چه کسی می تواند "محارب و مفسد فی الارض" باشد، ارائه نگردیده است -

دادستان دادگاه نظامی در جریان محاکمه دومین گروه از افسران میهن دست به ماده ۱۹۲ قانون حدود و قصاص استناد کرد و گفت که گویا عمل این گروه با ماده نامبرده منطبق است و آنان "محارب و مفسد فی الارض" اند - (اطلاعات، ۲۸ آذر ماه ۶۲) -

از دو حال خارج نیست: یا دادستان دادگاه نظامی از محتوای "قانون حدود و قصاص و مقررات آن" که متن کامل تصویب شده آن در شماره ۳۰ شهریورماه ۱۳۶۲ روزنامه "اطلاعات" انتشار یافته بی خبر است و یا بی پروا دروغ می -

محرومند و بدین طریق آزادی دفاع از آنان سلب گردیده است - دادستان ضمن ارائه کیفرخواست يك سلسله مسائل قضائی و شرعی را به عنوان حقوق دان فقیه مطرح می سازد، که متهمین از آن ها بی خبرند - به همین سبب قانون اساسی ج ۱۰ حق انتخاب وکیل مدافع را برای متهمین ملحوظ داشته است -

در اصل ۳۴ قانون اساسی ج ۱۰ گفته می - شود "دادخواهی حق مسلم هر فرد است" و اصل ۳۵ صریحاً خاطر نشان می سازد:

"در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل تعیین گردد" -

آیا عدم مراعات این اصل از قانون اساسی در مورد افسران میهن دوست جز قانون شکنی نام دیگری دارد؟

این که سران رژیم مانع انتخاب وکیل مدافع می شوند، تصادفی نیست - آنها بهتر از هرکسی می دانند که اتهامات سرهم بندی شده توسط مزدوران سیاسی و ساواکی در خدمت ج ۱۰،

پیشیزی ارزش ندارد - آنها واقفند که در صورت شرکت وکیل مدافع انتخابی، "اسرار" پشت دیوارهای فراموشخانه های به نام "دادگاه های انقلاب" به خارج درز خواهد کرد - علت جلوگیری از حضور وکلای مدافع، ناظران، پزشکان و روزنامه نگاران داخلی و خارجی در جلسات دادگاه نیز ناشی از ترس حیوانی سران رژیم از افکار عمومی ایران و جهان است - آنها فقط در دادگاه های سرپسته می توانند به مقاصد شوم خود نائل آیند و هر چه دل تشنگان خواست، بگویند و هر آنچه مصلحت دیدند در ورق پاره های ج ۱۰ منتشر سازند -

متهم شاهد

۳- قانون شکنی در بیدادگاه های رژیم به جایی رسیده که رئیس دادگاه و دادستان از متهمین به عنوان شهود در دادگاه استفاده می - کنند - آوردن دیگر متهمین برای شهادت به دادگاه نه تنها برخلاف اصول قضائی، بلکه بسا موازین اخلاقی و از جمله اخلاق اسلامی مغایرت دارد و از لحاظ مشروعیت نیز خدشه دار است - این همان شیوه ایست که فاشیست های هیتلری به کار می بردند -

به موجب قوانین و مقررات قضائی امکان مواجهه دادن این و آن متهم وجود دارد، ولی او حق ندارد به عنوان شاهد در امور دادرسی دخالت کند - زیرا، اولاً معلوم نیست که متهم را تحت چه شرایطی وادار به شهادت کرد هانند و ثانیاً، هر متهمی می تواند برای تبرئه خود دیگری را متهم سازد - بنابراین این شهادت متهم، که دینفح در عمل است، ارزش قانونی ندارد - حتی در قانون حدود و قصاص گفته می شود، اتهام وارد به شهادت گدومرد عادل و یا یک مرد عادل و وزن عادل ثابت می شود - صرف نظر از مضمون ارتجعی این

۳- یکی از اصول مسلم دادرسی، که حکام شرع نیز بدان واقفند، رئیس دادگاه را از اظهار نظر تا پایان دادرسی منع می کند - نادیده گرفتن این اصل یعنی به ابتدال کشاندن جریان دادرسی -

رئیس دادگاه یا دادستان؟!

۳- یکی از اصول مسلم دادرسی، که حکام شرع نیز بدان واقفند، رئیس دادگاه را از اظهار نظر تا پایان دادرسی منع می کند - نادیده گرفتن این اصل یعنی به ابتدال کشاندن جریان دادرسی -

رئیس دادگاه فقط پس از استماع اتهامات مطروحه از جانب دادستان و شنیدن دفاع متهمین و شهادت شهود می تواند و باید قضاوت کند - ولی در این بیدادگاه نظامی، هم رئیس دادگاه و هم دادستان نقش واحدی را ایفا می کنند، که مخالف با اصول دادرسی است - مثلاً حجت الاسلام ری شهری، رئیس "دادگاه انقلاب اسلامی ارتش" در نخستین جلسه دادرسی افسران میهن دست، پیش از آنکه دادستان موارد اتهام را باز گو کند، خطاب به متهمین اظهار داشت:

"ما در اینجا اینها را به عنوان يك فرد نظامی و ارتشی نمی شناسیم و به عنوان ارتشی محاکمه نمی کنیم، زیرا مردم مسلمان ایران، این افراد را به عنوان خائن و جاسوس می شناسند و با همین عنوان نیز محاکمه می شوند" (اطلاعات، ۱۶ آذر ماه ۶۲) -

آیا اینست معنای "عدل اسلامی" که به مردم وعده می دهند؟ این چگونه دادگاه و دادرسی است، که رئیس آن بدون شنیدن موارد اتهام، بدون استماع دفاع متهمین، حکم محکومیت افراد بی گناه را صادر می کند؟ چگونه می توان این صحنه سازی بی شرمانه را "دادرسی" نام گذاشت؟ آیا ادامه کار دادرسی پس از این اظهارات رئیس دادگاه، می تواند قانونی تلقی گردد؟ اگر متهمین ارتشی نیستند، به چه علت در دادگاه نظامی محاکمه می شوند و فرق بین دادگاه نظامی و دادگاه عادی چیست؟

می گویند: جوهر دین، محبت است و شیوه پیامبر اسلام نرمی و مهربانی بود - آیا رئیس دادگاه نظامی به این روایت باور دارد؟ آیا او که با قساوت و بی رحمی ویا بهره گیری از شیوه های مطرود فاشیستی، قبل از شروع دادرسی حکم محکومیت صادر می کند، خود "محارب و مفسد فی الارض" نیست؟

سلب حق انتخاب وکیل

۴- متهمین از حق انتخاب وکیل مدافع

تظاهرات اعتراضی علیه برپایی دادگاههای فرمایشی افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران در خارج از کشور

هامبورگ

یسته و انجام آنها در دادگاههای عادی علنی
با حضور ناظران بین المللی

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
و سایر نیروهای مترقی، تظاهراتی علیه دادگاه



برلن غربی - تظاهرات نیروهای مترقی علیه دادگاههای فرمایشی در ایران

روز ۲۱ دسامبر (۳۰ آذر) ، از طرف
" سازمان حزب کمونیست آلمان " ، " اتحادیه
دانشجویان مارکسیست " و " سازمان جوانان
کارگر سوسیالیست " ، تظاهراتی در اعتراض به تشکیل
دادگاههای نظامی علیه افسران میهن دوست و
اعضای حزب توده ایران ، در شهر هامبورگ
ترتیب داده شد .

تظاهر کنندگان که به چند صد نفر بالغ می
شدند ، ضمن حمل مشعل و پلاکارتهایی که روی
آن شعارهایی علیه تشکیل دادگاههای نظامی
و تفسیقات اعمال شده در مورد حزب توده ایران و
سایر مبارزان ضد امپریالیست در ایران نوشته
شده بود ، به طرف محل کنسولگری چ ۱۰ در
هامبورگ به راه افتادند .

در طول مسیر راه پیمائی ، اعلامیهای در این
زمینه بین مردم پخش شد و گروهی از آنان ،
ضمن امضای طومار اعتراضی ، همبستگی خود را با
زندانیان توده های و علیه محاکمات در بسته نظامی
ایرا کردند .

در محل تجمع ، مقابل سرکنسولگری ، قطع
نامه ای از طرف تظاهر کنندگان خوانده شد ، که

های فرمایشی در ایران در برلن غربی ترتیب
داده شد .

شرکت کنندگان در تظاهرات ، ضمن حمل
پلاکارتهایی که بر روی آن شعارهایی از جمله
" محاکم نظامی فرمایشی علیه تودهای ها غیر قانونی
است " ، " به پیگرد و سرکوب میهن دوستان در
ایران پایان دهید " و " گسترده یاد همبستگی
بین المللی با تودهای ها و سایر دمکرات های
دریند " به طرف محل کنسولگری ایران در این
شهر حرکت کردند . در طول مسیر راه پیمائی ،
قطعنامه ای که از طرف سازمانهای شرکت کننده
در مراسم تهیه شده بود ، بین مردم پخش گردید
و هنگام اجتماع تظاهر کنندگان در مقابل
ساختمان سرکنسولگری ، از طرف شرکت کنندگان
در مراسم ، به مقامات مسئول ایرانی تحویل داده
شده . تظاهر کنندگان با دادن شعارهای
" زندانی تودهای آزاد باید گردد " ، " مرتجعین
حاکم افشاء باید گردند " ، " تودهای قهرمان
آزاد باید گردند ، پیوند با آمریکا افشاء باید گردد " ،
پراکنده شدند .

در قطعنامه فوق ، از جمله برگزاری دادگاه
های نظامی علیه تودهای ها به مثابه آخرین
صحنه سازی سیاه برای قتل عام آنان اشاره شده
و از جمله آمده است :

" هیچ انسان آگاهی ، در فرمایشی
بودن دادگاهها و این که احکام از پیش صادر

بقیه در صفحه ۱۵



هامبورگ - تظاهرات اعتراضی علیه تشکیل دادگاههای نظامی فرمایشی در ایران

۳- لغو ممنوعیت حزب توده ایران .
این مراسم ، ضمن دادن شعارهایی مبنی بر
تأیید مفاد قطعنامه از طرف اجتماع کنندگان ،
پایان پذیرفت .

برلن غربی

روز دوشنبه ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، علیه
اینگار هواداران حزب توده ایران و با حمایت

در آن ضمن برشمردن همبستگی بین المللی
مخالف دمکرات ، ضرورت تشدید اقدامات جهت
نجات جان این قربانیان توطئه شوم امپریالیسم و
ارتجاع ، ذکر گردیده و در پایان خواستهای زیر
 مطرح شده است :

۱- پایان دادن به شکنجه نیروهای دمکرات
و ضد امپریالیست در ایران

۲- قطع فوری محاکمات در دادگاههای در-

تفسیری از پراودا:

این کار به سود چه کسی است؟

در دادگاه نیروهای مسلح ج ۱۰۱۰، محاکمه افسران میهن دوست، عضو به اصطلاح سازمان مخفی حزب توده* ایران و برخی از فعالان لیسن حزب آغاز شده و ادامه دارد.

این محاکمه، به دنبال دستگیری توده‌هایها، که در سال ۱۹۸۳ صورت گرفت، بر پا شده است. این گونه که پیداست سازمان دهندگان ایسین محاکمه، با وجود شکنجه‌های مخفیانه و فشاری که در مورد بازداشت شدگان اعمال شده است، هنوز هم مدارکی برای تأیید اتهامات پوچی که در مورد حزب توده* ایران اقامه می‌شود، در دست ندارند.

دادگاه نیروهای مسلح معرف و مشخص (کننده) شرایطی است که در ایران به وجود آمده است. هر شدت فعالیت‌های جنون آمیز جاسوس‌سازی و "جاسوس ترسی" و ترور جسمی و روانی هر چه بیشتر افشود می‌شود. محافل راستگرای تندروی تهران، در پی بهانه‌ای که باعث تیره شدن مناسبات شوروی و ایران گردیده هر اقدامی، متوسل می‌شوند. عمل مفسده جویانه دیگری هم انجام می‌گیرد که این بار، ارگان‌های قضایی ایران، به عنوان مجری آن انتخاب شده‌اند. تلاش می‌شود ثابت شود که گویا متهمین در جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی در باره ایران شرکت کرده بودند، اطلاعاتی که جنبه سیاسی و نظامی داشته و گویا بعداً ایسین اطلاعات توسط حزب توده* ایران در اختیار اتحاد شوروی گذاشته می‌شد. بی‌اساس بودن این گونه اراجیف و ساخته‌های فکری، عیان و آشکار است. نه حزب توده* ایران و نه هیچ سازمان دیگر، هیچ گونه اطلاعات جاسوسی و نظامی در اختیار اتحاد شوروی نمی‌گذاشته است. این گونه شیوه‌ها، اصلاً برای احزاب کمونیست و ماهیت جنبش کمونیستی بیگانه است. مهم ساختن این و آن به عملیات جاسوسی به سود اتحاد شوروی، جزو وسایل سنتی است که در چنته ارتجاع امپریالیستی فراوان وجود دارد. ارتجاع امپریالیستی درک می‌کند که نیروهای کمونیستی در خدمت بیدریغ و فداکارانه به مردم خویش می‌کوشند. ارتجاع امپریالیستی علاوه بر اعمال ترور و تضییقات، یکی از شیوه‌های ایراد لطمه به موقعیت و مواضع احزاب کمونیست و تضعیف ایمان زحمتکشان به کمونیست‌ها را که به خاطر تأمین آزادی و سعادت ملت‌ها از نیرو و ایثار جان خود نیز دریغ نمی‌ورزند، آن می‌دانند که بکوشند توده‌های مردم را در مورد میهن دوستی کمونیست‌ها بد بین کنند و کمونیست‌ها را اشخاصی قلمداد سازند که گویا به کشورهای بیگانه خدمت می‌کنند. محافلی که موجبات ایسین

محاکمه مضحک در تهران را فراهم کرده‌اند، نتوانستند جز توسل به این شیوه که مدتهاست از اعتبار افتاده، شیوه جالب تری ساخته و پرداخته کنند.

ولی این قطعی جنبه مسئله است. محاکمه نمایشی در پایتخت ایران به منزله حلقه دیگری از زنجیر توطئه‌های مفسده جویانه علیه اتحاد شوروی است که سرویس‌های ویژه غرب و پیش از همه سازمان‌های جاسوسی - اطلاعاتی آمریکا زمینه آن را، یکی پس از دیگری فراهم می‌سازند. این محاکمه فرمایشی، بخشی از جنگ صلیبی مقامات واشنگتن علیه سوسیالیسم و تمام نیروهای دموکرات و ترقی‌خواه جهانی است. دولت ریگان ضمن تلاش برای اینکه به این جنگ صلیبی جنبه هم‌گیر و عمومی ببخشد از تمام وسائلی که در اختیار دارد، استفاده می‌کند. نیروهای معینی در ایران هم دست به کار شده، در این جنگ صلیبی شرکت دارند. و به این حقیقت مسلم کوچک‌ترین توجهی نمی‌کنند که چنین پیوند و اتحادی با منافع ریشه‌ای مردم ایران مغایرت دارد.

امپریالیسم آمریکا از تلاش برای متزلزل ساختن مواضع رژیم کنونی در ایران دست نکشیده و همچنان امیدوار است، ایران را زیر سلطه کامل خود در آورد. گروه‌های ارتجاعی، که مخالف اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هستند - اصلاحاتی که توده‌های مردم پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، انقلاب ضد شاه منتظر آنها بودند - تمام هم‌خود را به کار می‌برند تا ثمرات ایسین انقلاب را نابود کنند. عناصر تندرو سعی می‌کنند رژیم کنونی را در راه تعصب کورکورانه و محو کامل آزادی‌های دموکراتیک در ایران سوق بدهند و کشور را به دوران زورگویی و خودسری ببندند و پاری که یکی از خصایص رژیم مستبد شاه بوده، باز گردانند.

علت لشکر کشی علیه حزب توده* ایران آن است که ارتجاع این حزب را نیرویی می‌داند که با شجاعت و به نحوی پیگیر در راه تأمین استقلال واقعی و پیشرفت ایران مبارزه می‌کند. هزاران تن از بهترین فرزندان حزب توده* ایران شهید شده اکنون ارتجاع می‌کوشد، نور این شفق را خاموش سازد. تبر جلا، بار دیگر جان میهن دوستان واقعی را تهدید می‌کند.

بنا به اعتراف دادستان کل ایران، تا اواسط سال ۱۹۸۳، بیش از ۸۵۰۰ تن از اعضای حزب توده* ایران بازداشت شدند. محاکمه فرمایشی کنونی در دادگاه نظامی تهران، گام دیگری در راه پیش‌برد اهداف ارتجاع سیاه و دانه است یعنی سرکوب و به خون کشیدن جنبش مردم است این حوادث پس از انقلابی روی می‌دهد که با

شمار استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی آغاز شده بود.

دامن زدن برآتش هیستری ضد کمونیستی در ایران، با تشدید تبلیغات ضد شوروی توأم است. در جلسه دادگاه نظامی، شخصیت‌های رسمی از جمله رئیس دادگاه و دادستان و دیگران ادعاهای باطل، دروغین و غیر مجازی در مورد اتحاد شوروی ایراد می‌کنند. از قرار معلوم، منظور از این جوش و تقلاهای تبلیغاتی پرهیاهوی ضد شوروی، تحریک حین، خصوصت نسبت به اتحاد شوروی در میان مردم ایران است که طبیعتاً با اعتراضات مردم شوروی مواجه می‌شود. طرف شوروی، هیچ بهانه‌ای به ایران نداده است تا بر اساس آن، اقدام‌های مغایر با منافع ایران به اتحاد شوروی نسبت داده شود. کشور شوروی در ایران در جستجوی هیچ حق و امتیازی برای خود نبوده و نیست. قدم داخله در امور داخلی و احترام به حاکمیت و استقلال و گسترش مناسبات دوستی و حسن همجواری، اصل دائمی و بلا تغییر سیاست اتحاد شوروی در مورد ایران بوده و هست.

یکی از اهداف صحنه سازی‌های محاکمه در تهران، همچنین فراهم آوردن بهانه برای مخالفین و دشمنان دیگر جنبش‌های رهائی بخش است. محافل معینی در تهران، در حقیقت امر با تبلیغات کین توزانه به دولت واشنگتن پیوسته‌اند که منظور از آن تلقین ادعای پوچ عوام‌فریبانه است که گویا اتحاد شوروی تلاش می‌کند با استفاده از سازمان‌های کمونیستی، نیروهای مسلح کشورهای رشد یابنده را به آلتی جهت داخله در امور دیگران سوق دهد. اما هر کسی که عقل سلیم دارد، بی‌اساس بودن این گونه ادعاهای باطل را درک می‌کند. طبیعی است که چنین خرابکاری‌های سیاسی به حق، موجب خشم و انزجار مردم شوروی، کمونیست‌ها و همه کسانی می‌شود که در راه آزادی ملت‌ها می‌رزند.

رهبران ایران خوب می‌دانند که اتحاد شوروی در واقع نسبت به کشور همسایه خود که مرز آن با کشور ما ۲۵۰۰ کیلومتر امتداد دارد، چه احساساتی دارد. اتحاد شوروی به هیچ وجه قصد ندارد روابط خود را با همسایه جنوبی‌اش وخیم سازد. بلکه برعکس، تمام امکانات و کوشش خود را به کار می‌برد تا این روابط به شو در طرفین ادامه یابد. بدین جهت مردم شوروی امیدوارند، نیروهای معینی در ایران به تبلیغات افترا آمیز و رذیله‌ها علیه اتحاد شوروی که سرپا دروغ و بی‌اساس است خاتمه بدهند. در غیر این صورت مسئولیت این جریان، تماماً به گردن محافل رهبری این کشور خواهد بود.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان: "محاكمة افسران میهن دوست و توده‌ای‌های در بند دربی دادگاههای نظامی را متوقف کنید!"

آن را دنبال کنند .
● روز یکشنبه ۲۷ نوامبر (۶ آذر) ، رادیو محلی شهرستان مود پلویه ، به پخش برنامه‌ای از طرف " کمیته " دفاع " اقدام کرده که قریب به يك ساعت و نیم به طول انجامید .

زندانیان ، به افشای برگزاری دادگاه‌های نظامی علیه توده‌ای‌ها پرداخته و خواست خود مبتنی بر محاکمه علنی آنان و تضمین شرکت ناظرین بین المللی در جلسات دادگاه را مطرح نمود .
" کمیته " دفاع " ، همچنین با مراجعه به افکار عمومی مترقی ، همستگی عملی آنان را با اهدا ف کمیته طلب کرده و به ویژه بر خواست اعزام هیئتی ، مرکب از پزشکان و حقوق دانان بین المللی ، جهت بازدید زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک ، که ماهها است توسط محافل آزادی خواه جهان مطرح گردیده ولی تا امروز از

بقیه از صفحه ۱
های غیر مسئولانه خود ، عملاً سیاست سرکوبگرانه و ضد قانونی سردمداران ج ۱۰ را توجیه می کنند .
با این حال صدای اعتراض احزاب ، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان ، هر روز اوج تازه‌ای می گیرد . " راه توده " ، برای اطلاع خوانندگان خود به چاپ بخشی از این اعتراضات مبادرت می ورزد :

بریتانیا
۲۶ نوامبر ، به ابتکار کمیته دفاع از انقلاب ایران در گلاسکو ، جلسهای به مناسبت همبستگی

آزادی خواه جهان مطرح گردیده ولی تا امروز از

دانمارک

کمیته اجرائی و گروه پارلمانی حزب چپ سوسیالیست دانمارک ، در تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، ضمن مخایره تلگرافی خطاب به رئیس ج ۱۰ ، نسبت به تشکیل محاکمه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ، ایسران در دادگاههای درسته نظامی ، شدیداً اعتراض نموده و پایمال کردن موازین حقوق بشر را آنهم به صورتی چنین خشن و وحشیانه ، محکوم کرده اند .
آنان همچنین ، خواستار شده اند که به کمیتهای بین المللی ، مرکب از حقوق دانان و خبرنگاران ، اجازه نظارت بر جلسات محاکمه داده شود و حکم اعدام در مورد هیچیک از " متهمین " صادر نگردد .

● جوانان سوسیال دمکرات دانمارک در تاریخ ۲۳ دسامبر (اول دی) طی نامه‌ای که به سفارت ج ۱۰ در کپنهاگ ارسال داشتند ، مقامات مسئول سفارت خانه را در جریان تلگرافی که در تاریخ ۱۶ دسامبر خطاب به ریاست ج ۱۰ تهیه شده بود قرار دادند که متن آن چنین است :
" بدین وسیله علیه محاکمه اعضای حزب توده ، ایران در دادگاههای نظامی در بسته ، که از جمله خلاف اصل ۳۵ قانون اساسی ج ۱۰ نیز هست ، شدیداً اعتراض می کنیم و بر پائی این محاکمات را که در آن ، حق دفاع از متهمین سلب گردیده و ناظران بین المللی اجازه شرکت در جلسات آن را ندارند ، محکوم می سازیم ."

فرانسه

" کمیته دفاع از توده‌ای‌ها و سایر دمکرات های در بند " در مود پلویه ، طی برگزاری جلسه عمومی خود با حضور نمایندگان گروه‌های سیاسی ، اجتماعی ، سندیکاها و دیگر شخصیت های مترقی ، بیانیه‌ای انتشار داد که در آن ، پس از توضیح رویداد های مربوط به بازداشت و شکنجه

آزادی برای زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست در ایران!



با حزب توده ، ایران با حضور جمع کثیری از فعالین جنبش کارگری ، جنبش ضد نژاد پرستی ، سازمان ضد استعماری " استقلال " و نیز جنبش مترقی زنان انگلیس ، نمایندگان نیروهای مترقی آسیا و آفریقا و خبرنگاران مترقی برگزار گردید . سخنران اصلی جلسه ، فرانک دیویس ، مسئول کمیته دفاع گلاسکو ، برایان فیلینگه ، نماینده سازمان " استقلال " در منطقه و رهبر جنبش ضد نژاد پرستی اسکاتلند و از مبارزین به نام جنبش کارگری بریتانیا و نماینده سازمان هواداران حزب توده ، ایران در بریتانیا بودند که تحلیل هایی در مورد اوضاع خطرناک جهانی ، بقیه در صفحه ۱۵

جانب نمایندگی های دولت ج ۱۰ در خارج از کشور ، بدان پاسخ مثبتی داده نشده با فشاری نموده است .
شخصیت های برجسته سیاسی فرانسه از جمله ژرژ سگی ، دبیر اسبق سندیکای ت . ت . و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه پشتیبانی خود را از خواستهای مطرح شده در بیانیه اعلام کرده اند .
● بولتن اطلاعاتی سندیکای ت . ت . در مود پلویه نیز به درج خبر برگزاری جلسه " کمیته " دفاع از زندانیان توده‌ای " پرداخته و از کلیه اعضای خود و نیز سندیکای وابسته ، دعوت به عمل آورده است که ضمن شرکت در کمیته ، فعالیت هلی

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

بحران اقتصادی و سیاسی در میهن ما بازتاب تحکیم مواضع رژیم سرمایه داری وابسته در ایران است!

بقیه از صفحه ۱

وابستگی صنعتی، افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی در عین کاهش بی وقفه صادرات و به بالاخره تکیه مطلق بر درآمد نفت برای ادامه حیات اقتصادی کشور، نشانه بارز تعمیق بحران در جمهوری اسلامی است (ویژه نامه "راه توده" ص ۷)

نارضایتی دم افزون توده ها و رشد جنبش های اعتراضی و مقاومت سازمان یافته و خود به خودی مردمی در مقابل سیاست های ضد مردمی و ایران پر بادده حاکمیت ج ۱۰ و بازتاب این نارضایتی در حاکمیت، که به صورت تشدید در گیری های درونی آن و تشدید بی ثباتی و بلا تکلیفی و هرج و مرج در نهاد های حکومتی و همچنین تسلط استبداد قرون وسطانی و نیاز روز افزون حاکمیت به سرکوب فاشیستی نیروهای انقلابی در عین "حفظ وحدت" ظاهری به ضرب ارباب - مظاهر گوناگون بحران سیاسی است، که سراسر نظام حکومتی ج ۱۰ را در بر گرفته است. در هفته های گذشته آیت الله خمینی یکبار دیگر برای دفاع از ارتجاع حاکم خود را ناگزیر از دخالت دیده و فرمان "منع انتقاد از دولت" را صادر کرد. لیه تیز این "فرمان" - اگر چه با گله گذاری هایی خجولانه از زیاده خواهان راستگرا نیز همراه است - متوجه کسانیست، که همه چیز یادشان رفته الا اینکه گرانی و کمبود وجود دارد (صبح آزادگان - ۲۷ آذر ۶۲)، کسانی که خود را مدافع "عدالت اسلامی" می نامند، و با وجود آنکه با محورهای اساسی سیاست دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان مخالفتی نشان نمی دهند، اما نارضایتی خود را از تسلط همه جانبه جناح غالب حاکمیت، بسا واکنش های گوناگون از استیضاح دولت تا مخالف خوانی های نطق های پیش از دستور مجلس و نمازهای جمعه پنهان نمی کنند. این مخالف خوانان دنباله رو در "انتقادات" خویش معمولاً به اظهارات آیت الله منتظری استناد می کنند، که جندی پیش اظهار کرده بود:

"در دنیا مثل معروفی شایع است که انقلاب فرزند آن خود را می خورد و من امروز احساس می کنم که در جامعه ما همین جریان به وجود آمده و می توان گفت که به قول امروزی ها یک کودتای خزنده و تدریجی برای از بین بردن فرزند آن اصیل انقلاب و منزوی نمودن آن ها به وجود آمده و وضعی پیش آمده که به تدریج افراد مستقل و آزاد، که هم تمسک به اسلام و هم سابقه انقلابی و فداکاری داشته اند و از طرفی هم مایل و با کفایت می باشند در معرض خطر حذف و انزوا

قرار گرفته اند و به نظر من این يك خطر بزرگی است متوجه انقلاب و کشور ... (جمهوری اسلامی - ۲۴ آذر ۶۲)

یکی از نشانه های تعمیق بحران سیاسی ج ۱۰ آنست که فرمان تهدید آمیز آیت الله خمینی بر خلاف عتاب و خطاب های پیشین در دفاع از ارتجاع حاکم - از جمله در بهمن ۶۱ و خرداد ماه ۶۲ - به سکوت گورستان در جناح مقابل نمی انجامد. و آنان همچنان به مخالف خوانی های خویش ادامه می دهند:

"آقایان اقتصادداشتهای را اقتصادی مطلوب و اسلامی می دانند و ابایی هم ندارند. رسماً می گویند، آمریکا سیاستش امپریالیستی است، اما اقتصادش اسلامی است" (اخلاقی نیا - نماینده سیرجان - ۳ دی ماه ۶۲ اطلاعات)

علیرغم این کشمکش های دامنه دار میان جناح های مختلف حاکمیت، ارتجاع آستانیسوس امپریالیسم، پیشروی خویش را با هدف شکستن کامل انقلاب ادامه می دهد و لذا انتقادات سازشکارانه و دنباله روانه در درون حاکمیت، قادر به شکستن بن بست انقلاب نیست.

در شرایطی که جنبش مطالباتی و اعتصابی کارگران رشد می کند، مقاومت دهقانان در برابر بازگشت فئودالها، به تخلیه روستاها و زندانی شدن دهقانان می انجامد و نارضایتی زحمتکشان شهری به صورت تظاهرات خشونت آمیز خود به خودی جلوه می کند، و مقاومت سازمان یافته سراسری دورنمای سیاسی نوینی می یابد، این انتقادات پیش از پیش در خدمت فریب و سردرگمی توده ها و کند کردن روند جدائی آنان از حاکمیت در می آید.

جبهه متحد خلق تنها ضامن نجات انقلاب است!

تاریخ این رسالت را بار دیگر بر دوش همه نیروهای اصیل و راستین انقلابی و وفادار به آرمانهای ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب شکوهمند بهمن نهادده است. فقط اتحاد این نیروها، صرف نظر از عقاید سیاسی و مذهبی آنان است که می تواند جنبش اعتراضی و مقاومت توده ها را سازمان دهد و رهبری کند. "روستاداد هیئتی" که کشور بار دیگر این حقیقت را عیان می سازد، که بدون اتحاد عمل نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضدامپریالیستی، مبارزه علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم نمی تواند به نتیجه مطلوب برسد. حزب توده ایران از بدو تأسیس خود کوشش فراوانی برای اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضدامپریالیستی به عمل

آورده است. حزب ما به ویژه به همکاری تاریخ نیروهایی که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی آزادی، پیشرفت اجتماعی و زندگی بهتر بسرا زحمتکشان مبارزه می کنند، اهمیت زیادی قائم است.

مخالف ارتجاعی مسلط در حاکمیت با تم قوا می کوشند از ایجاد تفرقه در میان نیروها سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی به سود تثبیت موقعیت خود و احیای مواضع امپریالیسم کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان استفاده کنند. در چنین شرایطی اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضدامپریالیستی اعم از سیاسی و مذهبی در جبهه متحد خلق، عامل تعیین کننده و وثیق اساسی پیروزی در نبردی است که اکنون میان

نیروهای انحصار طلب و قشری از يك سو و نیرو های خلق از سوی دیگر در جریان است! اینها پلنوم هجدهم - ویژه نامه - ص ۹) در این شرایط حساس و سرنوشت ساز تاریخ انقلاب رفح سو تها هم ها میان پیروان سوسیالیسم علمی و نیروهای اصیل انقلابی مسلمان از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چنین است که پلنوم هجدهم حزب توده ایران یادآور می شود: "برخی سو تها همات و نیز تند روی ها در مناسبات متقابل حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران مشکلاتی را پیش آورد که در مجموع به زیان نهضت ضدامپریالیستی مردم میهن ما ختم شده. پلنوم خواهان تجدید نظر مثبت در این روابط است و به هیئت سیاسی توصیه می کند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده بسا سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه یکی از نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی در جهت اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کوشش نماید."

شکل گیری این اتحاد بزرگ انقلابی، بدون شك موجب آن خواهد شد که مبارزه مسلمانان انقلابی راستین که همچنان به آرمان های انقلاب وفا دارند، به انگای اتحاد با نیروهای انقلابی اصیل ایران دورنمای امیدبخشی بیخاک کند. "مسلمانان مبارزی که در شهر و روستا نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند و همچنان در پی دستیابی به استقلال، آزادی، و عدالت اجتماعی هستند بدون تردید، جای شان در اتحاد بزرگ نیروهای انقلابی خواستار تحقق این آرزو است" (اسناد پلنوم هجدهم - ویژه نامه ص ۹)

راه نجات انقلاب شکوهمند بهمن جز این نیست.

مردم قهرمان کوبا، بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب خود را جشن گرفتند!

پیشرفت اقتصادی کشور را پایه ریزی می‌کنند. رشد اقتصادی سال گذشته کشور که رقم ۵ درصد را نشان می‌داد، چنانکه در پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا اشاره شده است در نتیجه فعالیت ثمر بخش کارگران و زحمتکشان کوبایی به دست آمده است. بنا به مصوبات این پلنوم، قرار است رشد اقتصادی، علیرغم تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی امپریالیسم، تأثیر بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری و شرایط دشوار اقتصادی در اوایل سال جاری، پایه کارگیری اهرم‌های ثمر بخش اقتصادی، بالا بردن بقیه در صفحه ۱۶

کوبای انقلابی، به چراغ راهنمای مبارزان نیکاراگوئه‌ای، نیروهای خلقی السالوادری و تمام کسانی بدل شده است که برای احیاء حقوق انسانی خود و تأمین حداقل سطح زندگی و علیه سلطه جوئی و زور گوئی امپریالیسم آمریکا با رژیم‌های دست‌نشانده آن مبارزه می‌کنند. مردم کوبا، زحمتکشان این کشور با کسار و کوشش طاقت فرسای خود توانسته‌اند، علیرغم محاصره و انواع و اقسام تضيقات اقتصادی و فشارهای سیاسی، و با کمک برادران و یاری‌های کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنان اتحاد شوروی، بنیان مصادی

مردم کوبا اول ژانویه، ۲۵-مین سالگرد پیروزی انقلاب خود را با شکوه تمام برگزار کردند. شهر سانتیاگو کوبا، که مارش پیروزمندان نیروه‌های انقلابی کوبا، تحت رهبری فیدل کاسترو برای تسخیر هاوانا از آنجا آغاز شد، مرکز جشن‌های مردمی بدین مناسبت بود. فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا در میتینگ عظیمی ده در این شهر برپا شد سخنرانی کرد.

او در سخنان خود یادآور شد که اولین سخنرانی خود را پس از انقلاب در همین نقطه ایراد کرده بود. فیدل کاسترو سخنرانی خود را به ارائه بیان پیروزی‌های انقلاب سوسیالیستی در "جزیره آزادی" اختصاص داد. وی گفت:

"در سالهای پس از انقلاب، نه تنها برنامه انقلاب ۱۹۵۳، که با پیروش به پادگان مونتکلدا آغاز گشت، تماما عملی شده بلکه انقلاب به دستاوردهای والاتری نیز نائل گشته است: خلق کوبادولتی سوسیالیستی، یعنی پیشرفته ترین نظام اجتماعی - اقتصادی که جامعه بشری به خود دیده است را در قلب نیم کره غربی بنا نهاده است."

کوبای سوسیالیستی که با مبارزات قهرمانان همسرین فیدل کاسترو و با پشتیبانی و جان فشانی مردم کوبا استقرار یافت و با کسار و سازندگی مستمر زحمتکشان کوبایی قوام گرفت به پایگاه صلح و ترقی و کمک به جنبش‌های آزادی بخش ملی در آمریکای لاتین و حتی هزاران کیلومتر فراتر از آن، در آفریقای بیدار بدل شده است.



ژانویه ۱۹۵۹ - فیدل کاسترو به هنگام ورود گردان‌های انقلابی به هاوانا

ردپای خونین سازمان "سیا"

شورای اسلامی ایران:
"قدرت انقلابیون مسلمان افغانستان هم از ایران است، که اگر ایران نبود معلوم نبود چه بر سر آنها می‌آمد!"
این اعتراف آقای رفسنجانی زمانی صورت گرفته است که با تزلزل رژیم پاکستان وظیفه "پدرخواندگی" برای ضدانقلابیون افغانی، به تدریج به عهده ج ۱۰ قرار می‌گیرد. بنا توجه به کمک‌ها و پشتیبانی‌های آشکار سیاسی و مادی آمریکا از این باند‌های ضدانقلابی، ناگفته پیداست که ج ۱۰، در راستای سیاستی گام بر می‌دارد که مورد پسند امپریالیسم آمریکاست. آمریکا ظرف پنج سال گذشته، ۲۱۸ میلیون دلار کمک مالی به ضدانقلابیون رسانده است. در سال جاری نیز حکومت ریگان ۳۰۰ میلیون دلار دیگر به این منظور اختصاص داده است. علاوه بر امپریالیسم آمریکا، سایر دولت‌های غربی نیز امکانات مالی و نظامی در اختیار ضدانقلابیون افغانی قرار می‌دهند. مثلاً آلمان فدرال ۶۰ بقیه در صفحه ۱۶

نخستین اردوگاه‌هایی از این دست در پاکستان ۱۹۷۸ (۱۳۵۸) ایجاد شد و تا پایان سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) نزدیک به چهل هزار نفر از راهزنان مسلحی که در این اردوگاه‌ها آموزش دیده بودند، به داخل افغانستان سرازیر شدند. اکنون در پاکستان بیش از یکصد اردوگاه از این نوع وجود دارد.

در ایران نیز، به رغم پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی آن و با وجود امیدی که به تحکیم وحدت میان این دو انقلاب می‌رفت، پایگاه‌های افغانی‌های ضدانقلابی در پاکستان دخالت سردمداران ج ۱۰ در امور داخلی افغانستان که از ابتدای انقلاب آغاز شده بود، سپس از تثبیت هر چه بیشتر ارتجاع در حاکمیت روز به روز افزایش یافت و اکنون به حدی رسیده است که به اعتراف حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس

از نخستین روزهای پس از انقلاب شوروی ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) افغانستان، دشمنان داخلی و خارجی این حکومت نوپا، به منظور سرنگونی دولت قانونی جمهوری دموکراتیک افغانستان و بر سر کار آوردن رژیم کهن استبدادی که منافع غرب را تأمین کند، خرابکاری‌های گسترده‌ای را آغاز کردند.

دستور آغاز عملیات همه جانبه، پس‌رشد افغانستان و از آن جمله تشکیل دسته‌های ضدانقلابی و تسلیح آنها با سلاح‌های مدرن، از سوی کارتر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا صادر شد. پاکستان به عنوان ستاد عملیات جنگ اعلام نشده بر ضد افغانستان دموکراتیک برگزیده شد و گروه متخاصمان سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا)، ایجاد اردوگاه‌ها و پایگاه‌هایی به منظور تربیت راهزنان مزدور را در آنجا آغاز کردند.

گفتگو بایکی از مسئولین "انجمن همبستگی" به مناسبت تصویب قانون "شورای اسلامی"

کارگران تنها با ایجاد تشکیلات مس سرمایه داران و حامیان آن

در پی تصویب طرح تشکیل شورای اسلامی کار از جانب مجلس شورای اسلامی، راهشده، بایکی از مسئولین "انجمن همبستگی" به گفتگو نشست. در این بخش پیشین این مجامع، موضوع انجمن پرورش مواد این طرح که با اصول قانون اساسی مغایرت دارد، و بزرگترین آن از جمله عدم رعایت حقوق مزرعین حقوق صنفی و شورایی کارگران (معموم کردن بخش طایفه کارگران صنعتی از حق ایجاد تشکیلات دولتی کردن تشکیلات کارگری و ... مورد بررسی قرار گرفت. اینک آخرین بخش این گفتگو را به چاپ می‌رسانیم.

به نظر انجمن همبستگی هرگونه شرایط محدودکننده که ورود کارگران میا آگاه را به تشکیلات صنفی دشوار و یا غیرممکن سازد قابل قبول نیست. کارگران زحمتکش ایران، همواره خواهان چنین حقی بوده‌اند. ولی "طرح تشکیل های اسلامی کار" و از جمله ماده ۲ آن این حق را از کارگران و زحمتکش گرفته و همه را مجبور به رعایت مقررات دولتی کرده است، به همین دلیل است، باز هم تکرار می‌کنم این قانون جز دولتی کردن سند بکاهای کارگری منظور دیگر ندارد.

س. نظر شما در مورد عدم تطبیق موادی از این طرح با آنچه در قانون اساسی در مورد آزادی و دموکراسی آمده است چیست؟ آیا شما در این زمینه نیز مغایرتی ملاحظه می‌کنید؟

س. لطفا نظر خود را در باره اختیارات مجمع عمومی کارکنان که در این آمده است، بیان کنید؟

ج. دقیقا! قیل از اینکه به این سوال جواب بد هم لازم می‌دانم اصولی چند از قانون اساسی را در اینجا بازگو کنم تا معلوم شود تصویب کنندگان این طرح، تا چه حد از روح قانون اساسی فاصله گرفته‌اند. به موجب اصل بیست و سوم قانون اساسی: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به مسرف داشتن عقیده‌های مورد مواخذه قرار داد.

ج. مجمع کارکنان، که در این طرح جای مجمع اعضای تشکیلات صنفی کارگران زحمتکش را گرفته است، در حقیقت بالاترین ارگان تصمیم‌گیری در مورد مهم تر مسائل آن تشکیلات است. مجمع اعضا می‌تواند اساسنامه انجمن را تغییر دهد می‌تواند هیئت مدیره خود را برگزیند یا تغییر دهد، حق عضویت تعیین کند.

اصل نهم قانون اساسی می‌گوید: "هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند." حال بیبینیم مصوبین این طرح چه گلی به سر کارگران زده‌اند. در بند ماده ۲ در باره شرایط عضویت در شورا آمده است: "عدم گرایش به احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های غیرقانونی و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی."

لیکن می‌بینیم که مواد بسیاری در این طرح، دست مجمع عمومی کارکنان را بسته است. ماده ۱۲ طرح فوق تشکیل مجمع عمومی کارکنان را سالی یک بار الزامی دانسته است. قانون‌گذار در حقیقت با تصویب این ماده مخالفت صریح خود را کرد همایی مستمر کارگران اعلام می‌کند. کارگران بدون هیچ تردیدی برای رسید به امور صنفی خود و سایر مواردی، که به آن اشاره کردم حق دارند خودشان در مورد تصمیم بگیرند، از فعالیت های هیئت مدیره آگاه گردند، د اثم در جریان پیشتر توقف و یا پس‌رفت امور قرار گیرند و سرانجام در مورد مسائل مطروحه تصمیم گیری کنند. بنابراین تشکیل مجامع عمومی آنها سالی یک بار به هیچ وجه در برگیرنده کارکنان نیست.

یعنی کارگری، که مورد اعتماد سایر کارگران است و احیانا گرایش خاصی به سازمان‌های سیاسی مترقی دارد، حق عضویت در شورا را ندارد. به زبانی ساده آنچه را، که مطابق قانون اساسی "هیچ مقامی" حق سلبش را ندارد، خیلی راحت زیر پا گذاشته‌اند. این معنایش اینست، که اگر نماینده مورد اعتماد کارگران به منظور احقاق حقوق کارگران جرأت کند کلمه‌ای بر علیه خط حاکم، بر علیه حزب حاکم، بر علیه افراد وابسته به این حزب، بر علیه قوانین ضد کارگری بگوید یا حتی انتقاد کوچکی هم بکند، که بیان واقعیت باشد، لابد این طور تعبیر می‌شود که خصما به یکی از گروه‌های "غیر قانونی" گرایش، وقت کنید گرایش دارد و لذا صلاحیت عضویت در شورا را ندارد. تازه این همه جریان نیست. در اینجا قانون‌گذار با حقهای دیگر دو کلمه "غیر قانونی" و "مخالف" را جدای از هم به کار می‌برد تا همه راه‌ها را به روی کارگران ببندد، تا غل و زنجیر را به پای کارگران محکم تر کند، تا زیر پا گذاشتن قانون اساسی را کامل کند و هیچ گونه امکانی برای ابراز عقیده آزاد کارگران باقی نگذارد، تا انحصار طلبی را بدان حد برساند، که نمایندگان شورا را به ارباب بی‌اراده انجمن های اسلامی، تبدیل کند.

مطابق تبصره ۱ همین ماده، تشکیل مجامع عمومی فوق العاده نیز به هر چه منوط به کسب اجازه از شورای مافوق است. این دیگر نشان دهنده بی‌اعتقاد کامل به کارگران و زحمتکشان و نفی آشکار حقوق آنان است در حالی که کارگر بیشتر از هر کسی در رسیدگی به امور خودشان، ذینفعند، اختیار برگزاری مجامع عمومی مطابق این طرح، از مجمع کارکنان گرفته شده و به ارگان‌های دیگری تفویض شده است.

راستی چرا ایشان این گونه آزادی‌های صریحه در قانون اساسی را ندیده می‌گیرند؟ چرا این همه و همه از کارگران و تشکیلاتی آزادانان در مملکت ما وجود دارد؟ چگونه است کسانی که شعار حمایت از مستضعفان گوش فلک را کر کرده، تحمل هیچ دگراندیشی را در تشکیلات کارگری ندارند؟ هیچ توجیهی برای این مسائل وجود ندارد، جز آنکه انحصار طلبان، ضد کارگر حاکم بر حیات کشور، خواهان بسط این انحصار طلبی به درون تمام ارگانهای مردمی هستند، تا آنان را از درون بی محتوا کنند. ایشان خواهان قانونیت بخشیدن به اختیارات، خواهان فشردن گلوئی کارگران، این کسانی که زمانی "ستون انقلابشان" می‌نامیدند، با چنگال تفتیش عقاید هستند، تا اگر نماینده‌ای حرف حق را زد و گفت مستضعف مستضعف تر شده و مستکبر مستکبر تر، فوراً او را مورد اذیت و آزار قرار دهند. آنها با گذاشتن چنین شرطی در این ماده در حقیقت کاری می‌کنند تا فقط کسانی بتوانند عضو این شوراها شوند، که یا به حزب حاکم وابسته باشند یا بالاخره مورد تأیید آنها، کسانی که همواره بیهوش و چه‌چه بگویند، لب فرو بینند و دم تزنند. این همان چیزی است که من به عنوان نقی صریح آزادی‌های سیاسی و اصول مربوط به آن در قانون اساسی تلقی می‌کنم.

ماجرا به این جا ختم نمی‌شود. در ماده ۴ طرح آمده است: "شورا صورت انحراف از وظایف قانونی خود، به تشخیص شورای مافوق منحل می‌گردد." در دست‌شورای مافوق در مورد تفسیر "وظایف قانونی" خیلی باز است و به دلپیش کشدار بودن مسئله، شورای مافوق می‌تواند هر زمان که اراده کند این شوراها را منحل اعلام کند. ثانيا این منحل کردن خود سرانه یعنی بی‌احترامی بسره آ کارگران و زحمتکشانی، که این افراد را انتخاب کرده‌اند. اگر واقعا نظر خیرسری کار است باید سعی شود تا در تمام موارد، مجمع عمومی حرف آخر را بزند. اگر خطائی صورت گرفته باشد این کارگران و زحمتکشان هستند، نه بیش از همه از آنها خطاها صدمه خواهند دید و بنابراین خود آنها بیشترین نفع را در تصحیح این خطاها خواهند داشت.

در مجامع عمومی است که یا نمایندگان کارگران به اشتباه خود بی‌خواهند بپرد و در صدد رفع آن‌ها بر می‌آیند یا مجمع عمومی آنها را عوض خواهد کرد. اگر حکومت واقعا مردمی و طرفدار کارگران باشد، دیگر تیزی به بلند کردن چماق علیه کارگران نخواهد داشت.

بد نیست من در اینجا شیوه‌هایی که ما در انجمن همبستگی به کار می‌بریم یادآور شوم. در مجامع عمومی انجمن همبستگی، تمام کارگران عضو فارغ از هرگونه قید و شرطی و بدون در نظر گرفتن تعلق سیاسی، مسلکی، مذهبی و قومی دور هم جمع می‌شوند و آزادانه حرفهای خودشان را می‌زنند، به سخنان دیگران گوش می‌دهند و دست‌آخر این مجمع عمومی است، که در مورد این مسائل تصمیم‌گیری می‌کند. ماده ۵ نیز در ادامه ماده ۴، اصل را بر انحلال شوراها گذاشته و محقق بودن شوراها را مشروط به رای دادگساه کرده است. در صورتی که از نظر کارگران و زحمتکشان اصل همواره بر محقق بودن شوراها است و آنها برای اثبات خطا و نه انحلال است، که باید دادگساده تشکیل شود. جالب تر از این‌ها ماده ۷ است که در حقیقت قدرت کودتایی بد

جلس:

بخش سوم (آخر)

می توانند ارتش خود را در مقابل حاکمیت سازمان دهند!

شورا می دهد. در این ماده آمده است:

"سلب عضویت هر يك از اعضای شورا، یعنی بر تخلف از وظایف قانونی و یا فقدان شرایط مذکور در ماده ۲ به پیشنهاد دو سوم مجموع اعضا، با تأیید شورای مافوق امکان پذیر خواهد بود."

به زبان ساده یعنی اگر تصادفاً علیرغم تمام مواج موجود در مواد قبلی طرح، یکی از نمایندگان واقعی کارگران به این شورا راه یافت و یا احیاناً خواست به قول این آقایان سلطنت کند و بند و بست های پشت پرده را برای کارگران افشا کند، آنگاه باقی اعضا شورا به راحتی می توانند با همکاری شورای مافوق و نه مجمع عمومی، که وی را انتخاب کرده است، او را برکنار کنند. آیا بهتر از این می توان نمایندگان کارگران را معزول کرد و برای حرف کارگران پیشگیری ارزش قابل تشد؟!

ضمن تشکر از شما به خاطر شرکت در این مصاحبه، آخرین سوال خود را به این صورت مطرح می کنم، که با تصویب این طرح آیا باید انتظار داشت، که سه قوانین ضد کارگری دیگری نیز به زودی در دستور کار مجلس قرار گیرند؟

ج. با روندی که در سال های اخیر در حاکمیت و رهبری ج ۱۰۱۰ در پیش گرفته شده است باید به این سوال شما پاسخ مثبت بد هم. خط کلی حاکم پر این طرح و خط کلی حاکم در مجلس شورای اسلامی به هنگام شور دوم و تصویب این طرح، نشان دهنده آنست که سرمایه داران و بزرگ مالکان طرفدار امپریالیسم توانستند، به خط ضد کارگری خود را در حاکمیت ج ۱۰ تثبیت کنند.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ما در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، کارگران و زحمتکشان ایران به وضوح می دیدند، که یکی از جنبه های مهم توطئه های امپریالیسم در ایران وادار کردن حکومت ج ۱۰۱۰ به اتخاذ سیاست های ضد کارگری بود تا از این طریق انقلاب را از بزرگترین پشتوانه اش، محروم کند. ولی علیرغم تمام مسائل و مصائب، این کارگران و زحمتکشان ایران بودند، که در عمل ثابت کردند ستون های اصلی انقلاب و حکومت با تکیه بر آنان و در عین حال دفاع از منافع هر حق انسان می توانند هیچ تردیدی، توطئه های امپریالیسم را یکی پس از دیگری خنثی کند. کارگران و زحمتکشان در طول این مدت با تحمل تمام سختی ها و کمبود ها هیچ گاه حاضر نشدند قدمی علیه حکومت برخاسته از انقلاب بردارند. کارگران در تمامی زمینها، از محاصره اقتصادی امپریالیستی گرفته تا جنگ تحمیلی و کارشکنی دشمنان

انقلاب، همواره با فدکاری تمام در صف اول دفاع از انقلاب حضور داشتند. انقلابی که با نثار خون دهها هزار نفر از این زحمتکشان و فرزندان غیر آنان به ثمر رسید. محرومین و کوچ نشینان ما می دیدند که دشمنان طبقه کارگر و انقلاب در لباس نماینده رژیم در دولت موقت بر علیه کارگران موضع می گیرند، در شورای انقلاب به نام "انقلاب اسلامی" قوانین ضد کارگری تصویب می کنند. دولتی، که خود را حامی "مستضعفان" قلمداد می کند، یکی از دشتناک ترین قوانین ضد کارگری جهان را طرح می کند. کارگران و زحمتکشان همه این ها را می دیدند ولی همچون کوه در مقابل تمام این دسایس امپریالیستی و ارتجاع داخلی ایستادند. ایستادند تا از انقلابی که با خون دل به شمر رسانند، حراست کنند و به آن بسته از نمایندگانی، که داعیه دفاع از آنان را داشتند، بپیمانند که این آنانند که وارثان اصلی انقلابند و باید با تکیه بر حمایت وسیع و همه جانبه آنان و جامه عمل پوشاندن به خواسته های آنان، توطئه های امپریالیسم را خنثی کرد.

ولی متأسفانه توطئه های امپریالیسم موفق شد بخش وسیعی از نیروهای موجود در حاکمیت ج ۱۰ و نیز رهبری آن را به تسلیم در مقابل فشارها و تهدید های امپریالیسم، سرمایه داران و زمین داران بکشاند و آنها به تعهدات خود پشت کردند. نتیجه این شد که گرچه دیگر الان پانزده سال از تولد حکومت را به دست ندارند ولی همان آقایانی که روزگاری برای مردم چهره های انقلابی محسوب می شدند وظیفه تحقق و ادامه راه پانزده ساله و تولدی ها را به عهده گرفتند.

طرز فکر حاکم بر این طرح حاکم از اینست، که همان دید توکل از قانون کار و بیمه های اجتماعی، در مجلس نیز حاکم شده است. چرا؟ چون مثلاً ما شاهد غلیب بودن پیمان دستجمعی در این طرح هستیم. پیمان دستجمعی یکی از بزرگترین دستاوردهای جنبش کارگری جهانی است و به همین دلیل در پیش نویس

قانون کار آقای توکلی و شرکا، بنفی شده بود. انعقاد پیمان دستجمعی یکی از مهم ترین وظایف انجمن های صنفی کارگران در انجمن های صنفی هر ساله با توجه به نرخ تورم و هزینه زندگی سعی می کنند سطح دستمزدها را تا حد مقدور بالا ببرد و تعادلی از این نظر بین افزایش سرسام آور قیمت کالاها و دستمزدها ایجاد کنند. البته پیمان های دستجمعی می توانند عوامل دیگری از جمله ساعات کار، مرخصی، پاداش آخر سال، اخراج و غیره را نیز در بر گیرند. اگر انجمن های صنفی کارگری و از جمله شوراهای محصل این طرح از این حق مهم محروم شوند، چیز زیادی برای گفتن نخواهند داشت.

نکته مهم دیگر مسئله اخراج هاست که در طول ۵ سال بعد از انقلاب، همواره یکی از مهمترین مسائل مطرحه در گرد همایی ها و کنگره های کارگری بوده است. ابعاد این اخراج ها آنقدر وسیع بوده است، که خانه کارگر ناگزیر شده است فقط در مورد اعضای اخراجی شوراها و انجمن های اسلامی صندوق کتک تأسیس کند. در این شرایط مجلس شورای اسلامی، به جای آنکه با این مسئله برخورد ریشه ای بکند، فقط آن را به یک درجه بالاتر حواله می دهد. طبق طرح شوراهای مصوب مجلس تصمیم نهائی در مورد اخراج کارگران با شورای اسلامی کار منطقه است. یعنی به زبان ساده، همان شورای حل اختلاف منطقه، یعنی جائیکه نمایندگان کارفرمایان اکثریت دارند. مگر در ۵ سال اخیر چند درصد کارگران اخراجی کارخانجات و موسسات دیگر از طرف شورای حل اختلاف برگشت به کار گرفته اند، که اکنون این شورا بتواند حلال شکل اخراج ها باشد؟

کارگران و زحمتکشان، که ساقی اخراج هر دم زندگی آنها را تهدید می کند، پاسخ این سوال را خوب می دانند. کلمه اخراج که به سادگی از دهان مقامات رژیم ادا می شود، در حقیقت نقطه پایانی است بر بسیاری از زندگی ها، اخراج یعنی بیکاری، یعنی گرسنگی خود و زن و فرزندان کوچک و بزرگ، اخراج یعنی رشد بیماری، یعنی افزایش مرگ نوزادان و کودکان خردسال، اخراج یعنی رشد ناساد در جامعه و بالاخره اخراج یعنی تثبیت باز هم بیشتر حاکمیت ارتجاع و تنمیسق امپریالیسم به مداخله بیش از پیش در ایران. با روندی که در پیش گرفته شده است و جوی، که در مجلس هنگام تصویب این طرح، مشاهده شده، به نظر نمی رسد که در آینده هم قدمی در راه از بین بردن این مسئله خانمان برانداز از جانب مقامات گرفته شود.

نکته مهم دیگری که دلالت بر حلل روح توکلی در این قانون دارد اینست که، این طرح در مورد امضاب، که یکی از مهمترین حربه های طبقه کارگر در مبارزه با سرمایه داری جهت تحقق خواسته های خود است سکوت کرده است. از این سکوت می توان چنین استنباط کرد، که مجلس شورای اسلامی، حق اعتصاب را برای کارگران و زحمتکشان به رسمیت نمی شناسد و احتمال این که در آینده هم بشناسد کلا بسیار ضعیف است. تجربه ۵ سال اخیر به کارگران نشان داده است، که پس از آن که با فشار توده های مردم، دولت موقت لیبیرال ها از کار برکنار شد و پنی صدر از ریاست جمهوری ساقط شد، حاکمیت ج ۱۰ و مشخصاً رهبری آن این فرصت را داشتند که دیگر از سیاست دادن شعارهای انقلابی دست برداشته و برای نمونه هم که شده گامی عملی در راه دفاع از کارگران و مستضعفانی، که این همه سنگشان را به سینه می زنند، بردارند. ولی اینها نه تنها از این فرصت های تاریخی استفاده نکردند، بلکه با دعوت از کارگران به قبول این نکته، که در "انقلاب اسلامی" تضادی بین کارگران و کارفرمایان وجود ندارد و همه برادر هم دیگر هستند باعث شدند تا جیب سرمایه داران و بازاری ها پرترازی پیش شود. حالا دیگر بدون هرگونه پرده پوشی حکومت از قول رئیس مجلس با افتخار عنوان می کند که ۰۰۰ میلیون تومان در دست بخش خصوصی است و از زبان دولتش ایراز می دارد، که به بخش خصوصی اجازه سرمایه گذاری در صنایع کلیدی تا هفت میلیارد تومان داده شود و ایسین درست برابر سهم دولت در این بخش از صنایع است. صنایعی که مطابق قانون اساسی و به منظور جلوگیری از غارت بی بند و یار سرمایه داری قرار بود کلا در دست دولت باشد! با همه این ها واقعاً خیلی "گستاخی" می خواهد که انسان باز هم شعار دفاع از مستضعفان را بدهد. ولی باید به این آقایان گفت که دیگر حنایشان رنگی ندارد و کارگران و زحمتکشان هرگز فریب نخواهند خورد. کارگران ما همواره به

پیام تبریک هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور بمناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

گام بزرگی که پلنوم هجدهم در راه انسجام بخشیدن به صفوف حزب توده ایران برداشته است بدون تردید لطمه‌ای جدی به کوشش‌های دشمن، در جهت پراکنده ساختن صفوف حزب است. اقدام شجاعانه پلنوم برای آغاز احیای سازمان‌های حزبی در ایران ملهم از یک اصل لنینی است که دبیر اول کمیته مرکزی سازمان ما نیز بر آن تأکید ورزیده است، و آن این است که: "حتی در سباحته ترین شرایط پلیسی و فاشیستی باز هم می‌توان و باید از موجودیت و فعالیت حزب انقلابی، حزب طبقه کارگر در سطح کشور پیروزمندانه دفاع کرد".

موضع پیگیر انترناسیونالیستی حزب توده ایران به وضوح و روشنی در مصوبات پلنوم هجدهم انعکاس یافته است. این امر مشیبت محکم‌تری در دهان آنها بی‌است که می‌خواهند انقلاب و انقلابیون ایران را از جبهه ضد امپریالیستی در سطح جهان و در رأس آن اردوگاه سوسیالیسم جدا سازند. نقشه رژیم برای بازداشتن انقلابیون ایران از وفاداری به جبهه انقلاب جهانی یا شکست کامل و مفتضح روبرو شده است و این، یک وجه دیگر از موفقیت چشمگیر هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران است.

پلنوم هجدهم یار دیر به اثبات رسانید که مشی حزب توده ایران برای دستیابی به اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و دیکراتیک، یعنی تلاش و مجاهدت بی‌دریغ در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و در نهایت تشکیل جبهه متحد خلق، یک مشی تغییر ناپذیر است.

این همه، به خوبی نمایانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای است که برگزاری موفقیت آمیز هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در این شرایط دشوار که میهن و انقلاب ما از سر می‌گذراند، حائز است.

اینک کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خطیری رهبری حزب را بر عهده داشته و فعالیت انقلابی خویش را با توانمندی ادامه می‌دهد. بی‌شک همه مبارزان توده‌های در داخل و خارج از کشور به دور کمیته مرکزی حزب خود حلقه خواهند زد و در راه اجرای بی‌خداشه تضییعات، رهنمودها و دستورات العمل‌های آن خواهند کوشید. ما در این راه برای رهبری و تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران از صمیم قلب آرزوی موفقیت می‌کنیم.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت) در خارج از کشور

بیش از پیش اهداف طراحان این جنایت آشکار شده است.

دشمن می‌خواست موجودیت سازمان‌نسی، سیاسی و ایدئولوژیک حزب طبقه کارگر را ریشه کن سازد. امپریالیسم، ضد انقلاب و راستگرایان به حزب توده ایران به مثابه مانعی در راه اجرای نقشه‌های پلید خود علیه انقلاب ایران می‌نگرند. آنها می‌خواستند حزب توده ایران آنچنان کوییده و منفرد شود که راه و سیاست آن بلامدافع بماند. رژیم جمهوری اسلامی ایران که خود به اهداف انقلاب پشت کرده است چنان نمایش رعب‌آوری از شلاق و شکنجه و سرکوب به راه انداخت تا دیگر هیچ کس جرأت نکند پرچمی را که حزب توده ایران ۴۲ سال است به دوش می‌کشد در دست گیرد.

اکنون با برگزاری پلنوم تاریخی هجدهمین کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌بینیم که این مقاصد شوم هرگز تحقق نخواهند یافت. تلاش امپریالیسم و ارتجاع برای ریشه کن ساختن حزب توده ایران محکوم به شکست است. هنوز یک سال از آغاز یورش به صفوف حزب نگذشته است که پلنوم هجدهم، اینک صفحات درخشانی از نیرومندی حزب توده‌ها را رقم می‌زند.

به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور صمیمانه ترین تبریکات خود را به همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، به همه انقلابیون و میهن پرستان واقعی و به طبقه کارگر و محکمان ایران تقدیم می‌دارند.

هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در شرایطی برگزار گردید که امپریالیسم و متحدان و دوستانش در ایران با بکارگیری همه امکانات خود، از زندان و شکنجه و اعدام گرفته تا جمل و دروغ و فریب، به صفوف حزب توده ایران، حزب پیگیرترین میهن پرستان ایران، هجدهم آورد مانند هزاران رزمنده توده‌های در زندان‌های جمهوری اسلامی تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. دفاع از اندیشه‌های که حزب توده ایران از آن پیگیرانه دفاع می‌کند رسماً جرم محسوب می‌شود. کلیه امکانات تبلیغاتی رژیم برای پخش اکاذیب و جعلیات علیه حزب به کار افتاده‌اند. با گذشت ۱۱ ماه از آغاز این یورش ناجوانمردانه، اینک

جنایتی هولناک علیه دانش، فرهنگ ایرانی و زبان فارسی

بقیه از صفحه ۱

گنجینه سترگ فرهنگی و ادبی و علمی محروم شده‌اند. ابعاد عظیم این فاجعه، به سختی در تصور می‌گنجد. آنچه که ناپود شده نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای تمام بشریت مرفقی ارزش و لایه دارد و به جرئت می‌توان گفت این جنایت نابخردانه به فرهنگ مشترک جامعه بشری، لطمه وارد آورده است.

بی‌خردان حاکم که مولف این آثار را نیز به سیاهچال‌های زندان اوین انداخته‌اند و پراثر شکنجه‌های شدید جسمی و روحی او را به لب پرتگاه ناپودی کشانده‌اند خوب می‌دانستند که حتی اگر مولف از نو آزاد هم شود یک قادر بسه خلق مجدد این آثار نیست، زیرا دیگر سال‌های فعال زندگی را پشت سر گذاشته است.

باید مقیاس فاجعه آمیز این جنایت عظیم را به مردم ایران و دیگر کشورها نشان داد. باید کاری کرد که نکت این عمل زشت، دامنگیر حاکمیت مرتجعان سالوس و ریاکاران بی‌فرهنگ شود. باید همه جهانیان از این جنایت هولناک آگاه گردند.

در زمینه‌های گوناگون علمی و ادبی و فلسفی و همچنین شعر متعهد و انقلابی فارسی. این کتاب‌های پر ارزش حاصل دهها سال تفکر و تعقل و بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی و تاریخی و ادبی آفریننده فیلسوف، تاریخ دان، زبان‌شناس، شاعر و... آنهاست که البته به مردم ایران و نسل‌های کنونی و آینده این سرزمین تعلق دارد. اما حکام مرتجع ج که از دانش و فرهنگ مرفقی، موافق حکمت فامیانه ما چون جسن از بسم الله می‌ترسند، چنین جنایات هولناکی را مرتکب شده‌اند تا خصومت کور و بیمار گونه خود را با هر آنچه از ارزش‌های معنوی و بالنده بشر خود دارند، عیان سازند. بی‌شک چنین جنایتی دل هر ایرانی میهن دوست و علاقمند به دانش و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را عمیقاً به درد می‌آورد. این جنایتکاران مرتجع و نادان دستور دادمانند دست نوشته‌ها را در آب ریخته و بسه صورت خمیر در آورند تا دیگر کسی به این گنجینه فرهنگ اصیل ایرانی دسترسی پیدا نکند. به این ترتیب مردم ایران و جهان از دستیابی به این

سردمداران ج.ا. همچنان اعتراضات گسترده سازمانها و محافل مترقی جهان را به بازداشت های غیرقانونی زنان دمکرات نادیده می گیرند

روز ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، متن کامل فراخوان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " را در مورد آغاز محاکمات غیرعینی علیه میهن دوستان و اعضای حزب توده " ایران " درج کرده است .
در فراخوان ، پس از اشاره به قانون شکنی های رژیم ج.ا. و رفتار وحشیانه مأمورین حکومتی یا زندانیان ، بر لزوم اقدامات سریع و یکپارچه ، به منظور قطع دادرسی در دادگاه های درست و جلوگیری از اعدام های برق آسا تأکید گردیده و تشکیل جلسات عینی محاکمات با حضور ناظران بین المللی و آزادی کلیه دمکرات های در زندان خواسته شده است .

فرانسه

به دنبال انتشار فراخوان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " ، خطاب به افکار عمومی مترقی بین المللی در رابطه با تشکیل دادگاه های در بسته نظامی علیه نیروهای میهن دوست مبارز و اعضای حزب توده " ایران " و خواسته هایی که این سازمان جهت نجات جان زندانیان از خطر اعدام فوری مطرح کرده است ، " اتحادیه زنان فرانسه " در تولوز در تاریخ ۲۳ دسامبر (۲ دی) تلگرامی خطاب به مقامات مسئول سفارت ج.ا. در پاریس بدین مضمون مخابره نموده است :

" این اتحادیه ، با توجه به محتوی برنامه اش که احترام به حقوق بشر و حیثیت انسانی است ، از مقامات مسئول دولتی ایران می طلبد که جلسات محاکمات میهن دوستان و مبارزین ضد امپریالیست در این کشور در دادگاه های عادی انجام پذیرد ؛ ناظران بین المللی امکان شرکت در جلسات دادگاه را داشته و کلیه زندانیان دمکرات ، آزاد گردند ."

● " اتحادیه ملی زنان فرانسه " در نیس ، طی مخابره تلگرامی به مقامات مسئول سفارت ج.ا. در پاریس ، مجدداً نسبت به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض نموده ، آزادی فوری زنان دمکرات زندانی را خواستار گردیده است .

● در پی گسترش موج همبستگی نیروهای مترقی سراسر جهان ، با زندانیان دمکرات و میهن دوستان در کشور ما ، روز ۶ دسامبر (۱۵ آذر) ، " کمیته همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران " ، با مسئولیت خانم اولین قلییو در شهر تولوز تشکیل شد .

کمیته ، طی فراخوانی از کلیه نیروهای آزادی خواه فرانسه دعوت کرد تا برای نجات جان بقیه در صفحه ۱۴

" تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر دمکرات های در بند اعلام نموده ، درخواست اعزام کمیسیونی بین المللی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران ، به منظور افشای حقایق که در سیاهچال های بی نام و نشان ج.ا. بر زندانیان می گذرد ، پافشاری کرده اند .

اسامی این سازمانها بدین قرار است :
● کمیته دمکراتیک زنان ● حزب سوسیال دمکرات شعبه گوتینگن ● حزب کمونیست آلمان در گوتینگن



● گروه کار زنان ● اتحادیه دانشجویان مارکسیست ● اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازیها در آلمان قرار داشتند .
● حزب سبزها - شعبه گوتینگن نیز با اعضای کارت پستال اعتراضی به آدرس کمیته " ناپدید شدگان سازمان ملل در ژنو ، بازداشت و شکنجه زنان دمکرات زندانی و به ویژه اعضای " تشکیلات دمکراتیک " را شدیداً محکوم کرده ، از خواست محافل دمکرات مبنی بر اعزام کمیسیون بررسی پشتیبانی نموده و آزادی فوری زندانیان را خواستار گردیده است .

ایتالیا

" اونیتا " ، ارگان حزب کمونیست ایتالیا ،

ما هها از بازداشت غیرقانونی زنان مبارز میهن ما ، کسانی که جز بهر روزی زحمتکشان و استقلال سرزمینشان آرمانی نداشتند می گذرد و در این مدت احزاب ، سازمانها و محافل مترقی جهان یک لحظه هم از مطرح کردن خواست به حق آزادی آنان از بند درنگ نکردند .

حکومتی که این زنان ایثارگر را به بند کشیده است با گستاخی بی شرمانه ای ، که ویژه رژیم های دیکتاتوری است ، کماکان در مقابل این خواست انسان دوستانه آزادی خواهان جهان بی اعتنا است و در برابر پافشاری آنان ، جهت اعزام هیئتی که بتواند از زندانیان دیدار و حقایق آنچه را که در پشت دیوارهای قطور سیاهچالها می گذرد برملا سازد ، تنها به عکس العمل های نا بخردانه و عاری از هرگونه احترام به موازین و قرارداد های بین المللی دست می زند . غافل از اینکه هرگز ، خورشید برای همیشه در پس ابر نمی ماند و تاریخ نشان داده است ، که حتی سفک - ترین رژیم های دیکتاتوری دنیا نیز سرانجام ، در مقابل اراده متحد مردم به زانو درآمده اند .

موج گسترده همبستگی با دمکرات های زندانی در ایران ، خاموش شدن نیست و سیل نامه ها و تلگرام های که به مقامات ج.ا. ارسال می گردد و فعالیت های اعتراضی بشر دوستان جهان ، همچنان ادامه دارد . در زیر گوشه ای از این ابراز همبستگی ها و اعتراضات را می خوانید :

پاکستان

" سازمان دمکراتیک زنان پاکستان " به نام زنان مترقی این کشور ، طی انتشار بیانیه ای خواستار رفع تضییقات از زنان دمکرات زندانی به ویژه اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و آزادی فوری آنان گردیده است .

این سازمان همچنین خواسته است که به شکنجه میهن دوستان و دمکرات های زندانی پایان داده شود و " متهمین " از حقوق حقه زندانیان ، مطابق با موازین بین المللی ، از جمله حق دفاع از خود و انتخاب آزاد وکیل مدافع برخوردار باشند .

سازمان به ویژه بر امر اعزام هیئتی از پزشکان و حقوق دانان بین المللی به ایران ، جهت بررسی شرایط زندانیان از نزدیک ، تأکید ورزیده است .

آلمان فدرال

گروهی از سازمانهای مترقی گوتینگن ، ضمن امضای بیانیه ای ، همبستگی خود را با اعضای

آمار سخن می گوید!

از آمار و ارقامی که که نگاه در لابلای صحبت ها و سخنرانی های مقامات مسئول ج ۰۱۰۱۰ و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه می شود، می توان نتایج سیاست های فلاکت بار حاکمیت ج ۰۱۰ را در تمام عرصه های زندگی اجتماعی به عیان دید.

سخنرانی آقای نادری، نماینده نجف آباد در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس (اطلاعات، ۱۹ آذر ۶۲) حاوی چنین آماری است:

ما در زمینه اعمال سیاست "درهای باز" و افزایش بی حد واردات که عمدتاً به کالاهای مصرفی اختصاص دارد، بارها صحبت کرده ایم و با استدلال نشان دادیم که این امر تعقیب وابستگی و تبدیل کشور به بازار انحصارهای امپریالیستی را سبب می شود.

با این حال رویدادهایی که در میهن ما رخ می کنند، از واقعیات دیگری هم خبری می دهند که ابعاد این فاجعه را گسترش می بخشد. به عبارت دیگر حاکمیت ج ۰۱۰ با اعمال سیاست های خیانت بار خود، افزون بر تشدید وابستگی کشور به امپریالیست ها، در جهت بر باد دادن منابع مالی میهن ما نیز عمل می کنند.

طبق گفته آقای نادری، دولت ج ۰۱۰ تنها به علت تعویق تخلیه محتویات کشتی های لنگر انداخته در اسکله های جنوب کشور، سالانه ۲۰۰ میلیون دلار، حق تأخیر می پردازد، آن هم بسبب بیگانگان!

افزایش نقدینگی "که ناشی از استقراض فزاینده از سیستم بانکی است اثرات مخربی در پی دارد، که می توان آن را در یک جمله "سیاست سرمایه دار پروری حاکمیت ج ۰۱۰" نامید.

آقای نادری در این زمینه می گوید:

"در سال ۶۰ نرخ رشد نقدینگی ۱۷/۸٪

بوده که در سال ۶۱ این رشد به ۲۴/۲٪

رسیده و افزایش یافته است. یعنی تا پایان سال ۶۱ به ۶/۳۵۰/۷ میلیارد ریال بالغ گردیده است. اگر بازتر صحبت کنیم معنای استقراض از سیستم بانکی اینست که از ضعیف ترین افراد جامعه پول بگیریم و به سرمایه میلیاردی بیافزاییم.

بعد از انقلاب بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان به جیب بخش خصوصی کرده ایم و آنهم به تعداد افراد بسیار محدود، ولی اسم و رسم آنها معین نیست."

و این محتوی تمام سیاست های رهبری ج ۰۱۰ است. دریغ داشتن منابع مالی کشور از حتمتکنان و سپردن آن به بخش خصوصی. با اعمال این سیاست است، که "مستضعف، مستضعف تر می گردد، و مستکبر، مستکبر تر."

گامی دیگر بر ضد زحمتکش!

مشکل مسکن همچنان یکی از معضلاتی است که مردم زحمتکش ما از آن رنج می برند. در شرایطی که عدّه کثیری از خانواده های بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

عالی دفاع، درباره ضرورت خرید "سلاح های دور-برد قوی و مدرن" از قدرت های بزرگ، سیاست استمداد از امپریالیسم جهانی برای پیروزی بر " رژیم صدام" ! وارد مرحله نویسی شد.

آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه "کویتی" صورت الخلیج" گفته اند:

"در پنج سال گذشته ما قرار داد مهمی از نظر تسلیحاتی منعقد نکردیم و قدرت های بزرگ نیز تاکنون آمادگی فروش سلاح به ما از خود نشان نداده اند."

وی در همین مصاحبه به منظور رفع هرگونه شبهه در مورد "قدرت" های بزرگ که می توانند به ج ۰۱۰ اسلحه های دور برد بفروشند، اعلام می کنند:

"همسایه ما شوروی ۰۰۰ دشمن ما را که با ما در حال جنگ است صلح می کند" و استراتژی نظامی و تسلیحاتی نویسن شونیست های حاکم بر ج ۰۱۰ را، چنین توضیح می دهد:

"کسی که قصد حمله دارد نیاز به سلاح های دور برد و با کاربرد قوی و مدرن دارد. ما تا کنون توجه خود را معطوف به این نوع سلاح ها نکردیم. ولی این دلیل نمی شود، که در آینده به فکر به دست آوردن این گونه سلاح ها نباشیم. به هر حال ما باید همگام با مسلح شدن همسایگان خود حرکت کنیم. تا زمانی که همسایه های ما حرص و ولع خرید سلاح از خود نشان می دهند، ما هم باید این امر را در مد نظر قرار دهیم."

آقای رفسنجانی، که ظاهراً خود متوجه شباهت کامل اظهارات خویش با اظهارات شاه مدفون در این زمینه شده است، برای خاک ریختن به چشم خلقی که شاه را از جمله به خاطر همین سیاست نظامی ایران بر بادده سرنگون کردند ادامه می دهد:

"ولی به هر تقدیر به سطح برنامه های نظامی شاه نخواهیم رسید" (اطلاعات - ۳۰ آذر ۶۲).

در عرف سیاسی بین المللی، چنین اظهاراتی از سوی یک مقام عالی رتبه، جز به معنای استمداد از امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای فروش سلاح های استراتژیک به ج ۰۱۰ اسلامی نیست. رهبران ج ۰۱۰ اینک آشکارا از امپریالیسم جهانی تقاضا می کنند، که برای فروش سلاح های "دور برد و مدرن به آنان نیز" آمادگی "نشان دهد".

با گذاشتن بر جای پای شاه ملعون و سادات معدوم، چنین است سرنوشت شو نیست هایی که راه حل مشکلات میهن ما را در "گرم نگاهداشتن" توسعه طلبانه "تنور جنگ" می بینند.

"شوروی را مطرح می کنند تا آمریکا منسی شود!"

در دیداری که آیت الله خمینی با روسای سه قوه در هفته گذشته داشت با اشاره به اتحاد شوروی اظهار کرد:

"وقتی به سراغ آنها می رویم، می بینیم کرملین بدتر از آمریکا است و لنین و استالین و دنبال آن ها، که امروز هستند، با مردم بدتر کردند."

مقایسه این سخن با جمله معروف "شوروی را مطرح می کنند که آمریکا منسی شود"، نشانه بارز تغییر موضعی است که در نظرات آیت الله خمینی ایجاد شده است و او را به مدافع منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان تبدیل ساخته است. در واقع سردمداران ج ۰۱۰، برای توجیه سیاست های خیانت بار خود ناگزیرند توجه افکار عمومی ایران را از دشمن اصلی خلق های ما، امپریالیسم آمریکا، منحرف سازند و هدف اصلی حمله خود را به سوی دشمنی "بدتر از آمریکا"، و در راستای سیاست شوروی ستیزانه "آمریکا، میزان" کنند.

آنان ناگزیرند، هنگامی که بازار را به میدان داری دعوت می کنند، هنگامی که نقش اصلی به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۵۷ مردم ایران را، از آن پیروزی تجاری می دانند، هنگامی که بر تمامی پیروزی های سرمایه داران بزرگ و کلان سرمایه داران در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، صحت می گذارند و دیگران را از مقابله لفظی با آنان نیز منع می کنند، هنگامی که نمایندگان پیروزی بوروکراتیک و حامیان اقتصادی آنان را به دست گرفتن اهرم های سیاسی و قانونگذاری فرا می خوانند و با اشاره به "نمایندگان بازار" در مجلس شورای ملی، گسیل کردن نمایندگان بازاریان را به مجلس شورای اسلامی طلب می کنند. در این شرایط ناگزیرند شوروی را مطرح می کنند تا آمریکا منسی شود. در این شرایط دیگر مردم و تأمین منافعشان مطرح نیستند تا دشمن اصلی آنان، آمریکا، زیر ضربه قرار گیرد. اینجا سرمایه داران بزرگ و کلان زمین داران و وابستگان به امپریالیسم جهانی، "قهرمانان واقعی" همانند می شوند ناگزیر دشمن اصلی آنان، اتحاد شوروی نیز باید مورد حمله قرار گیرد.

احیای وابستگی نظامی و

تسلیحاتی به امپریالیسم برای

پیروزی بر "صدام": استراتژی نوین

شوینیست های حاکم بر ج ۰۱۰

در هفته گذشته، با اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی، نماینده آیت الله خمینی در شورای

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

محروم از مسکن در حلی آبادها، حصر آبادها، و گودها بصری پرند، در زمانی که زحمتکشان ایران با درآمدی ناچیز ناچارند، بخش اعظم آن را به عنوان اجاره بها به جیب مالکین سرازیر کنند و هر لحظه در انتظار بیرون ریختن اثاثیه خود از "ملك مورد اجاره" باشند... حکمیت ج ۱۰۱۰ با تصویب لایحه اصلاحی مالنسبک و مستأجر تیغ براتری برگردن زحمتکشان ایران می‌نشانند.

حزب توده ایران، هنگامی که اصل لایحه تقدیم مجلس شد اعلام کرد:

"این لایحه چیزی نیست جز مساده واحد های در تأیید و تصویب مجدد قانون طاعت مصوب شهریور ۵۶ منتهی بدون استثنای بند ۶ آن"

این لایحه تنها دارای نکات منفی عدیده نیست، بلکه اساس وکل برداشت آن علیه مستأجرین، علیه کارگران، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه ماست.

این لایحه نه مسئله اجاره بها و کرایه های کمر شکن را حل می‌کند و نه مسئله تخلیه اجباری مستأجرین بی‌خانمان را؛ نه مسئله سرقتی‌ها و سودهای کلانی را که سرمایه داران مستغلات چپی به جیب می‌زنند حل می‌کند و نه آن بلایا و گرفتاری‌هایی را که رابطه ناسالم و استثمار، مالک و مستأجر به وجود می‌آورد.

آقای مقتدائی بر اساس همین قانونی که یلا - فاصله به مورد اجرا گذاشته شده، "در مورد خانه‌هایی که صاحبانش فراری بوده‌اند و طبق قانون صوبه شورای انقلاب در اختیار سازمان

مسکن قرار داده شد و آن سازمان این خانه‌ها را به افراد واجد شرایط اجاره داده بود "می‌گوید: "اگر صاحبانش حکم خلع ید گرفته باشند مقرر شد محاکم، طبق قانون روابط مالک و مستأجر عمل کنند." (اطلاعات، ۲۶ آذر)

و به این ترتیب خانه به دوشان زمان رژیم شاه را دوباره به خیابان می‌ریزند!

تصویب لایحه مالک و مستأجر، که ناشی از تفوق خط سرمایه‌داران و صاحبان مستغلات بزرگ در حاکمیت ج ۱۰۱۰ است چیزی جز تأیید و تصویب مجدد قانون ارتجاعی ۵۶، یعنی چرخیدن در، بر همان پاشنه زمان طاعت با روض زدن پسه لولاهای آن نیست!

دست مالکان بزرگ و زمینداران سرمایه‌دار از روستاها کوتاه باد!

در هفته گذشته نیز یورش مالکان بزرگ و زمین داران سرمایه‌دار با پشتیبانی مأمورین دولتی و پاسداران، همراه با حکم حاکم شرع و مقامات قضائی علیه دهقانان همچنان ادامه داشته است!

شدت و گستردگی این عملیات به اندازه‌ای

است که حتی نماینده "زرتد کرمان" که خود پر تمامی اقدامات سرکوبگرانه و مخایر با آرمانهای انقلاب در جهت تأمین آزادی و عدالت اجتماعی حاکمیت اذعان دارد، به یکی از این هجوم‌ها اشاره کرده و می‌گوید:

"مدتی است که به طور مرموز از سوی بعضی از قضات پاپرپرونده سازی، اراضی را از دست کشاورزان که دهها سال روی زمین کار کرده‌اند، خارج و به عده مالکین برمی‌گردانند و در صورت امتناع از اجرای حکم، آنها را به زندان می - اندازند. از جمله جمعی از کشاورزان گرسار که

اخیرا زندانی شده‌اند" (اطلاعات، ۳۰ آذر ۲۲) انتقادات بی‌رنگ و پراکنده، پسرخیسی از نمایندگان مجلس، در این زمینه، خود افشاگر ژرفای فاجعه‌ای است، که اعمال سیاست‌های خیانت‌بار سردمداران ج ۱۰۱۰ به بار آورده است. فاضل هرندی نماینده مجلس می‌گوید:

"حدود پنج سال از عمر انقلاب می‌گذرد و ما در آستانه برگزاری مراسم ششمین سال پیروزی انقلاب هستیم. اگر به عقب برگردیم و ببینیم در این پنج سالی که از عمر انقلاب گذشته، برای صاحبان اصلی انقلاب چه گام‌های اساسی و چه حرکت‌های سازنده انجام داده‌ایم؟ با کمال تأسف باید عرض کنم که نه تنها گام اساسی بر داشته شده است، بلکه عده‌ای از انقلابیون بعد از انقلاب جوی به وجود آوردند که امروزیکی از نقاط ضعف و یکی از نقاط منفی برای معرفی اشخاص، حمایت از محرومین و مستضعفین است... در رابطه با کشاورزی که یکی از مسائلی است که در مملکت ما می‌تواند پاسخگوی نیازهای ما باشد و ما را به خودکفایی برساند، چه پیشرفت‌هایی صورت گرفته؟ شعار دادیسم، در شعار گنتیم محور کشاورزی است. اما آنچه در باره آن فکر اساسی شده است، کشاورزی است" (اطلاعات، ۲۸ آذر ۲۲).

به این ترتیب بار دیگر برای مردم ما به وضوح ثابت می‌شود، که بلافاصله پس از سرکوب و ایراد فشار بر حزب توده ایران، هجوم علیه ستاوردهای انقلاب شدت بی‌سابقه‌ای می‌یابد و یورش به دهقانان و کارگران و کارمندان زحمتکش سازمان داده می‌شود. گویا رهبران رژیم فراموش کرد ما ندانیم که زحمتکشان کشور ما قادرند، بار دیگر بساط ظلم را برچینند و پاسخ دندان شکنی به حامیان زر و زور بدهند!

سندیکاهای کارگری آزاد را گرفته، کارگران نیز فقط يك راه دارند و آن اینست، که با احیای سازمان‌های مستقل صنفی خودشان و در پی تشکیلاتی منسجم، یکپارچه و قدرتمند، ارتش خود را مقابل سرمایه‌داران و حامیان آنها در حکومت سازمان دهند. تنها از این طریق است که کارگران می‌توانند زنجیرهای بردگی را از دست و پایی خودشان بکنند. تشکیلات منسجم و قدرتمند سراسری کارگران یعنی حفظ استقلال واقعی کشور، یعنی آزادی واقعی، یعنی رسیدن به خواست‌های برحق و بالاخره یعنی سعادت آینده خود و مملکت.

در پایان مایلیم قطعه شعر معروفی از شاعر بزرگ کارگری ایران، لاهوتی که سال‌ها پیش سروده شده و بی‌رابطه با اوضاع و شرایط فعلی مملکت نیست یادآور شویم:

شادبمان ای هنری رنجبر
ای شرف دوده، نوع بشر،
ای ز تو آباد جهان وجود،
هیچ نبود ارکه وجودت نبود.
دولت شاهان اثر گنج تست،
راحتلیمان ثمر رنج تست.
گر تو دوروزی ندی تن به کار
یکسره نابود شود روزگار.
بامت آبادی عالم تویی،
رنجبر، معنی آدم - تویی.

کارگران تنها با ایجاد تشکیلات...

بقیه از صفحه ۹

این مسئله واقف بودند، که سرمایه‌دار برادر آنها نیست و اگر تا به حساس برای گرفتن حقوق حقه خود بر علیه سرمایه‌داران دست به اعتصاب همه جانبه نمی‌زدند فقط و فقط به خاطر دفاع از منافع کلی انقلاب در مقابل توطئه‌های امپریالیسم بود. و این آن چیز است که رهبری ج ۱۰۱۰ هرگز موفق به درک کامل آن نشده است. ولی حالا که کارگران هر روزه شاهد بستن قرارداد های کلان با امپریالیست‌ها هستند، قرارداد هایی که به خاطر گسستشان انقلاب کردند، حرف خود را با قدرت خواهند زد.

تجربه همین يك سال اخیر نشان داده است که کارگران و زحمتکشان با درک واقعیت در موارد متعددی اگر چه به طور پراکنده، با استفاده از حربه اعتصاب خواست خود را با قدرت مطرح کردند. مقامات ج ۱۰۱۰ چه انکار کنند و چه انکار نکنند، پسر حال جامعه ایران يك جامعه طبقاتی است و حل مسائل جامعه از درون يك مبارزه طبقاتی حاد خواهد گذشت. حالا که حکومت صلا جانب داری خود را از سرمایه‌داران و بخش خصوصی نشان داده و سپاه و نیروهای سرکوبگر خود را برای حفظ این سرمایه‌داران قاتلرگ بسیج کرده، کلیه ارگستان‌ها را از نیروهای مردمی تصفیه کرده، جلوی فعالیت‌هایی سازمان‌های مترقی و نیز

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

سردمداران ج.ا. همچنان اعتراضات

بقیه از صفحه ۱۱

میهن دوستان در بند به ویژه زنان مبارز از چنگال جلادان حکومت ج.ا. سرعیا اقدام نمایند و آزادی زندانیان ، بحق ملاقات با خانواده هایشان و اعزام هیئتی به ایران جهت بررسی وضع آنان از نزدیک را طلب نمایند .

در فراخوان ، همچنین ، پس از اشاره به نقش پیکار جویانه این زنان در پیروزی انقلاب ایران و تلاش آنان در راه احقاقی حقوق زنان زحمتکش میهن ما ، از این که آنان ماهها است بدون خبر ، در سیاهچالهای ج.ا. به سر می-برند ، ابراز تأسف شد است .

خانم اولین فلیپو ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج.ا. در پاریس ، شخصا نیز بمیروش های غیر انسانی حکومت ایران در قبال زنان مبارز ، شدیداً اعتراض نموده و آمادگی خود را جهت فریفتن به ایران و بررسی وضع زندانیان اعلام نموده است .

سوئد

در مراسم راهپیمایی باشکوهی که در روز ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) ، بنابه ابتکار " کمیته های صلح سوئد " ، تحت عنوان " سربازان علیه سلاح های هسته ای " در استکهلم برگزار گردید و در آن ، سربازان سوئدی برای اولین بار با اونیفورم سربازی شرکت داشتند ، سازمان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در سوئد نیز حضور داشت ضمن ابراز همبستگی با نیروهای صلح - طلب ، به پخش اعلامیه ای جهت افشای جنایات حکومت ایران در حق زنان دمکرات میهن ما پرداخت و ضمن آن از کلیه سازمانهای مترقی ، احزاب و شخصیت های صلح دوست خواست تا با تشدید موج همبستگی با زنان زندانی ، آنان را از بند درخیمان ج.ا. رها سازند .

نمایندگان ج.ا. در پاسخ به اعتراضات گسترده نیروهای مترقی ، نسبت به موج بازداشت ها و شکنجه و آزار در ایران بر ماهیت سرکوبگرانه حاکمیت صحنه می گذارند

زنان کمونیست شهر کارلایل در انگلستان ، یکی از سازمان های مترقی این کشور ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج.ا. در لندن ، نسبت به بازداشت و شکنجه و آزار فعالین و اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر دگراندیشان زندانی ، شدیداً اعتراض نمود ضمن اعلام حمایت همه جانبه خود از آنان خواستار اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران ، جهت بررسی شرایط آنها از نزدیک گردیده است .

بخش اطلاعات و مطبوعات سفارت طی نامه ای که به زنان کمونیست کارلایل ارسال داشته ، به جای پاسخ به این خواست که از جانب محافل دمکراتیک سراسر جهان نیز مطرح شده می نویسد : " شما که اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " نیستید " او بدین ترتیب ، تنگ نظری و کوتاه فکری خود و دولت متبوع خویش را بار دیگر بر افکار جهانیان بر ملا می سازد .

به تفضیلات علیه زنان دمکرات زندانی خاتمه دهید!

طی جلسه ای که در تاریخ ۵ نوامبر ، از طرف انجمن دوستی انگلیس - گرنادا در لندن ترتیب داده شد ، حاضرین در جلسه ، اعتراض - نامه ای را که در مورد بازداشت و شکنجه اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و سایر زنان در ایران تنظیم شده بود ، امضا کرده و همبستگی خود را با آنان اعلام نمودند .

● شرکت کنندگان در جلسه " زنان کنگره ملی آفریقا " که در تاریخ ۱۹ نوامبر برگزار گردید نیز ، طی امضای بیانیه ای ، تنفر و انزجار خود را نسبت به رفتار وحشیانه مأمورین حکومت ج.ا. با زنان مترقی زندانی در ایران ، ابراز و آزادی آنان را خواستار گردیدند .

● طی جلسه کنفرانس سراسری زنان اتحادیه های کارگری اسکاتلند " که در روزهای ۲۳ و ۲۴ نوامبر (۲ و ۳ آذر) با شرکت ۱۷۹ نماینده از اتحادیه های کارگری مختلف در شهر گلاسکو برگزار شده ، نمایندگان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در انگلستان نیز همزمان با آن جلسهای به ریاست خانم فلنیک ، یکی از زنان حزب کمونیست این کشور ترتیب داد . در ابتدای جلسه خانم پت ، نماینده " اتحادیه کارمندان فنی و مشورتی " سخنانی در مورد اوضاع ایران و به ویژه تفضیلات وارده به زنان مبارز در کشور ما و لزوم همبستگی با دمکرات های در بند و پشتیبانی از اهداف کمیته دفاع از انقلاب ایران ایراد کرد و از شرکت کنندگان خواست که قطعنامه ای را ، که از طرف سازمان تشکیلات دمکراتیک در بریتانیا تنظیم شده بود ، مورد تصویب قرار دهند .

شرکت کنندگان در جلسه ، پس از استماع متن قطعنامه ، که در آن به تاریخچه مبارزات زنان عضو تشکیلات دمکراتیک و علل دستگیری آنان و نیز شکنجه هایی که در زندان تحمل می شوند اشاره شده و بحث در این زمینه ، به قطعنامه رای مثبت دادند .

جلسه کنفرانس با تصویب این قطعنامه نسبت به دستگیری و شکنجه بربرمشتانه آزادی خواهان در ایران و به ویژه اعضای تشکیلات دمکراتیک اعتراض نمود و سرکوب سازمانهای مترقی را در ایران محکوم کرد و کمیته اجرائی را موظف دانست تا از طریق حزب کارگر ، اتحادیه های کارگری و سازمان های بین المللی ، به اقداماتی

جهت اجرای خواسته های زیر دست زدند :
۱- دیدار کمیته بین المللی ، مرکب از حقوق دانان و پزشکان متخصص با زنان زندانی و بررسی وضع آنان از نزدیک

۲- قطع قوری شکنجه ها
۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی

● نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا ، ضمن شرکت در جلسه عمومی مجمع ملی زنان انگلیس در لندن ، در روزهای ۲۵ و ۲۶ نوامبر (۴ و ۵ آذر) توضیحاتی در رابطه با اوضاع ایران ، وضع زنان کشور ما و اهمیت حمایت نیروهای مترقی از دمکراتهای زندانی ، در اختیار شرکت کنندگان در جلسه قرار دادند .

جلسه عمومی مجمع ملی زنان انگلیس ، قطع نامه ای در رابطه با محکوم کردن موج سرکوب اخیر نیروهای مترقی در ایران صادر نمود که در آن به ویژه ، روشن شدن سرنوشت اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " و اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان ، جهت ملاقات با زندانیان در ایران خواستار شده است .

در قطعنامه ، همچنین خواست آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی دمکرات مطرح شده و اعضای " مجمع ملی زنان انگلیس " اعلام نمودند که از طریق اقدامات عملی همه توان خود را در این راه به کار خواهند برد .

در این جلسه ، نماینده " فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان " نیز حضور داشت ، که ضمن اعلام پشتیبانی از " تشکیلات دمکراتیک " و مبارزات مردم ایران ، اعتراض نامه ای را بدین مناسبت امضاء کرد .

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی

دکتر " می شام ساهنی " نویسنده برجسته هندی و دبیر کل " فدراسیون ملی نویسندگان مترقی " این کشور نیز برنده " جایزه " ساویت لند نهرو " امسال (جایزه مخصوص نویسندگان هنرمندان مبارز راه صلح و همبستگی میان ملت ها) طی ملاقاتی با نمایندگان " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " در هندوستان ، ضمن تجلیل از نقش ارزنده " زنان ایران در پیروزی انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ۵۷ " فعالیت های " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران " را در سازماندهی زنان زحمتکش این کشور ستود و از اینکه چرخش به راست حاکمیت ج.ا. منجر به بازداشت و شکنجه بی رحمانه این زنان مبارز گردیده است ، ابراز تأسف نمود . وی ضمن محکوم شمردن این اعمال ، از کلیه نیروهای آزادی خواه و صلح دوست جهان خواست تا صدای خود را علیه سرکوب میهن دوستان و مبارزین راه استقلال ، بقیه در صفحه ۱۶

احزاب، سازمانها و محافل ...

داناتان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، تأکید ورزیدند.

تظاهرات اعتراضی علیه برپایی ...

بقیه از صفحه ۳
شده است، شکی ندارد. سازمانها و شخصیت های مترقی بین المللی، بارها از مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ خواستند، که با صدور روایذ، برای هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک موافقت نمایند، ولی این خواست آنان تا کنون بدون جواب مانده است.

آنگاه، طی فراخوانی، بار دیگر از نیروهای مترقی خواسته شده است، بانگ اعتراض خود را علیه این بیدادگری ها، هر چه رساتر ساخته و بر خواست اعزام این هیئت به ایران، پافشاری ورزند.

امضاء کنندگان قطعنامه به قرار زیرند:

- جنبه همبستگی با خلقهای آمریکای لاتین
- کمیته همبستگی با خلقهای آمریکای مرکزی
- انجمن دانشجویان ویتنامی در برلن غربی
- اتحاد دانشجویان کرد در اروپا
- مرکز فرهنگی ترکهای مقیم برلن غربی
- انجمن دانشجویان ترکیه در برلن غربی
- اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان فدرال و برلن غربی
- جنبش دانشجویان یونانی در برلن غربی

پایان جلسه، در مورد چگونگی گسترش جنبش بین المللی همبستگی با حزب توده ایران، زندانیان توده ای و سایر زندانیان سیاسی مترقی در ایران بحث و تبادل نظر شد و ابتکارات جدید در رابطه با روشنگری این مسائل در افکار عمومی، مورد بررسی قرار گرفت.

دفاع جنبش صلح بریتانیا از زندانیان توده ای

کنفرانس سراسری جنبش صلح بریتانیا در روزهای دوم تا پنجم دسامبر (۱۱ تا ۱۴ آذرماه) با شرکت دو و هزار نماینده، از شعب مختلف سازمان، همپارزه در راه خلیج سلاح اتمی، در شهر شفیلد بریتانیا برگزار شد. در این کنفرانس، د نماینده از سوی "کمیته دفاع از انقلاب ایران" نیز بنا به دعوت جنبش صلح، حضور داشتند و طی سخنانی، به افشای ماهیت حاکمیت راست - گرا در ایران و به ویژه سیاست جنگ طلبانه آن و خطراتی که این امر برای صلح جهانی به همراه دارد پرداختند. نمایندگان، هم چنین غلغل یورش به حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه و آزار توده ای های در بند را توضیح دادند. آنگاه شرکت کنندگان در کنفرانس، طی اعضای اعتراض نامه هائی، اعمال رفتار وحشیانه در مورد توده ای ها را شدیداً محکوم نموده، بر خواست اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق

اهمیت استراتژیک انقلاب ایران برای جنبش صلح جهانی و بنا بر این پیامدهای شکست این انقلاب و لزوم عکس العمل نیروهای مترقی جهان، دفاع از جنبش مترقی، حزب توده ایران و تاریخچه مبارزاتی آن و چگونگی سرکوب وحشیانه حزب و شکنجه و آزار اعضای آن ارائه دادند.

شرکت کنندگان در جلسه، ضمن ابراز همبستگی با حزب توده ایران و اعضای آن، بر لزوم تشدید جنبش اعتراضی به سیاست های ارتجاعی حکومت ج ۱۰ در رابطه با این مبارزین تأکید نمودند.

● در همین روز، شعبه دندی "کمیته دفاع از انقلاب ایران" در گلاسکو، نیز سمینار یک روزهای برای مطالعه اوضاع خارومیانه تشکیل داد که در آن فعالین جنبش کارگری منطقه شرکت داشتند. رابرت تاسون، "مسئول کمیته دفاع" شعبه دندی، جلسه را افتتاح کرد. سپس نماینده جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در بریتانیا، تحلیل جامعی از اوضاع خطرناک جهانی، گسترش جنگ و احتمال قریب الوقوع دخالت مستقیم آمریکا در منطقه بیان داشت و هم چنین در مورد لطافت جنگ میان ایران و عراق برای نیروهای مترقی منطقه، مطالبی اظهار نمود. آنگاه نماینده سازمان هواداران حزب توده ایران در بریتانیا، به تشریح اوضاع ایران، گردش به راست حاکمیت ج ۱۰ و حمله وحشیانه ارتجاع ایران به نیروهای مترقی و حزب توده ایران سخن گفت و در

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت، که محاکمه افسران میهن دوست، با اصول مورد قبول جوامع تمدن با مفاد قانون اساسی ایران در تضاد آشکار است و باید متوقف گردد.

حجت الاسلام ری شهری، حاکم شمسرع بیدادگاه نظامی در گفتگویی با خبرنگار واحد خبر صدا و سیما ج ۱۰ اظهار داشته است، گویا آخرین موضوعی که معترضین به جریان دادرسی در سراسر جهان مطرح کردند، عدم حضور خبرنگاران خارجی در دادگاه است. حاکم شرع دروغ می گوید و سفسطه می کند. مردم جهان به مجموعه جریان دستگیری، بازجویی، شکنجه، قتل و نحوه دادرسی که در پنج مورد مشخص از آنها یاد کردیم معترضند. مردم جهان هیئت حاکمه ایران را به استفاده از شیوه های فاشیستی و نادیده گرفتن عادی ترین موازین حقوقی و اخلاقی و توهین به حیثیت و شخصیت انسانها متهم می سازند.

خیانتکاران به انقلاب یا برگرانی این بیدادگاهها، با وجود تدارکات مفسده جویانه چندین ماهه خود، چه بخواهند و چه نخواهند - خود را افشا می سازند. بی آمدن این خود افشاگری رسوا، برای حاکمیت ج ۱۰ جز ننگ ابدی و محکومیت در مقابل خلق و تاریخ چیست دیگری نیست!

و می کوشند در جریان دادرسی از زبان متهمین زیر قید و بند شکنجه به اصطلاح دلیل بتراشند. با اینکه سردمداران ج ۱۰ تقلا می کنند واقعیت پشت پرده این "محاکمات پنهان" بماند و فرمانبران آنان در رسانه های گروهی با دقت و وسواس در پی اجرای اوامر آنانند، اطلاعات سانسور شده، ناقص و دست کاری شده روزنامه های مجاز حکایت از آن دارد، که اتهامات پیچ و واهی "جاسوسی" و "خیانت"، حتی با تأکید چندباره بر "اقرار متهمین" نیز قابل اثبات نیست و گردانندگان این درام فاجعه باریاتوسل به هیچ ترفند و تمهیدی قادر نخواهند بود این "جرام ناکرده" را بر مسند ثبوت بنشانند. زیرا، واقعیت با تمام رسایی و قاطعیت خود، بر علیه آنان شهادت می دهد. واقعیت آنست که در بیدادگاههای ج ۱۰، میهن دوستی است که به محاکمه کشیده می شود. دفاع از انقلاب، کوشش در راه تحکیم آن، تلاش در جهت خنثی سازی توطئه های امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی آن، ایثار در جبهه ها، خدمت در پشت جبهه، نبرد برای تأمین عدالت اجتماعی به سود مردم و پاسداری شبانه روزی حزب توده ایران از انقلاب و دستاورد های آنست که بر صندلی "اتهام" نشاند شده و محاکمه می شود.

دیوان بلخ

بقیه از صفحه ۲

قانون از اینکه متهم می تواند شهادت دهد سختی به میان نیامده است.

و اما در مورد متهمین شرکت کننده در دادگاه نظامی، همه آنان بدون استثنا تحت وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار داشته اند و به همین دلیل "اقرار" و "اعتراف" آن ها حتی درباره اتهامات وارده به ایشان قانونی نیست.

حکام شرع به خوبی می دانند که مطابق اصول کلی امور جزائی اقرار طریقت ندارد نه حجیت. به دیگر سخن اقرار وسیله ایست برای رسیدن به حقیقت ولی دلیل جرم نیست، مگر اینکه در خارج و یا اسناد و مدارک محکمه پسند، اثبات شود. لذا استناد به اقرار (پرمغ طریق اخذ آن) بدون دلایل خارجی فاقد پایه قانونی است.

استفاده از متهمین به عنوان شاهد، نشانگر آنستکه سران رژیم بر خلاف جنجال تبلیغاتی گویلوار خود دارای دلیل و یا فدرکی برای اثبات اتهام ساخته و پرداخته ارگان های اطلاعاتی سنیا و ساواک و اینتلینجنت سرویس ... نیستند

ردپای خونین سازمان "سیا"

بقیه از صفحه ۷

میلیون مارك و انگلستان ۱۸ میلیون پسنوند استرلینگ میرادی این كمك در نظر گرفته اند. بنا بر مندرچت مطبوعات غرب، آمریکا و هم پیمانانش ، برای مبارزه علیه انقلاب افغانستان بالغ بر يك میلیارد دلار خرج کرده اند .

ضد انقلابيون تا کنون مبلغ ۳۵ میلیارد افغانی ، خسارت بر اقتصاد افغانستان وارد ساخته اند . راهزنان دو هزار مدرسه ، بیش از ۳۰ بیمارستان و یکصد درمانگاه را ویران کرده و یا به آتش کشید هاند . ۱۴ هزار کیلومتر سیم تلگراف و تلفن را قطع و نابود ساخته اند بسیاری از تعاونی های روستائی را از بین برد هاند و شهرت وندان بی گناه و صلح دوست افغانستان را وحشیانه به قتل رسانده اند .

ادارات جاسوسی غرب ، در زمینه فعالیت جاسوسی در افغانستان ، بی امان مشغول کارند . نمونه های زیر گواه این ادعاست :

در آغاز سال جاری ، یکی از گروه های راه - زنان در ایالت " لوگر " تارومار شد و در میان افراد آن يك فرانسوی به نام " فیلیپ اوهار " دستگیر گردید . یکی از مأموریت های او این بود که برای سازمانی به نام " آداره " اطلاعات افغانستان " (بی . آی . ۱۰) اطلاعات نظامی گرد آورد . کمی پس از دستگیری ، او در یک کتفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که " بی . آی . ۱۰ " برای ادارات جاسوسی ناتو ، اطلاعات نظامی تهیه می کند .

اخیرا کاروانی که پنهانی در حال حمل و خارج کردن سنگ های قیمتی " لازوریت " از افغانستان بود ، به دام افتاد و در زد و خورد بيگانه کشته شد . بنا بر اسنادی که در نزد مقتول به دست آمد ، او تبعه انگلستان بود و " استوارت

بودن " نام داشت . در دفتر یادداشت او مطالبی پیرامون محل استقرار واحد های نیروهای مسلح دولت افغانستان و آموزش های در زمینه چگونگی کاربرد مواد منفجره گوناگون وجود داشت . نزد او يك دستگاه بی سیم برای تماس با سایر مأمورین نیز پیدا شد . این دستگاه بی سیم ، مجهز به يك کامپیوتر ثبت و تنظیم اطلاعات بود . برای راهنمایی کاروان ، از نقشه های منتشره در آمریکا استفاده می شد (پجاست یاد آور شویم که در سال ۱۹۸۱ نیز پس از تارومار شدن یکی از دسته های ضد انقلابيون مسلح ، نزد آنها نقشه های افغانستان که در سازمان " سیا " تهیه شده بود به دست آمد . تاسیساتی که می بایست منهدم شوند - نیروگاه های برق ، مؤسسات صنعتی ، سد ها و فرودگاه ها با نشانه های ویژه ای روی این نقشه ها مشخص شده بودند) . چنین تجهیزاتی جای تردید باقی نمی گذارد که فرد مقتول از سازمان های جاسوسی غرب بوده است . بعدها نیز آشکار شد که " استوارت " بود من " حقیقی سالم است و هیچ اتفاقی برای او نیافتاده . سازمان های جاسوسی ، برای مخفی نگاه داشتن مأموران خود ، از اسامی سایر افراد استفاده می کنند .

چهار افغانی که در سفارت آمریکا در جمهوری دموکراتیک افغانستان کار می کردند ، در پایان سپتامبر سال جاری در يك کنفرانس مطبوعاتی در کابل از چگونگی همکاری خود با " سیا " ، از فعالیت های جاسوسی و خرابکاری خود که به دستور " دیپلمات های آمریکائی انجام می دادند ، برای روزنامه نگاران افغانی و خارجی سخن گفتند . آنها گوشه هایی از چگونگی به راه انداختن افشاش در کابل در سال ۱۹۸۰ ، بخش اعلامیه ها ، ایجاد دسته های مسلح

راهزنان و سازماندهی فعالیت های آنان و گردآوری اطلاعات نظامی را فاش کردند .

این واقعات ها موید آن است که هرگاه در کشوری دگرگونی های بنیادی صورت می گیرد ، چنانچه این تحولات ضد منافع واشنگتن باشد ، دولت آمریکا آن را دلیل قابل توجیهی برای دخالت در امور داخلی آن کشور مستقل به حساب می آورد .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، به موازات سازماندهی مقاومت در برابر ضد انقلابيون و حامیان آنها ، همواره کوشیده است تا مسائل منطقه از راه های سیاسی حل شود و بر اساس معیارهای حقوق بین المللی مورد پذیرش همگان و بر پایه اساسنامه سازمان ملل متحد ، مناسبات دولت های همجوار در منطقه به حال عادی در آید . همچنانکه در بیانیه های ماه مه سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۸) و ماه اوت سال ۱۹۸۱ (۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اظهار شده است :

" عادی شدن مناسبات ما به شرطی امکان پذیر است که تجاوز مسلحانه به افغانستان و دخالت در امور داخلی آن به هر شیوه دیگری ، تمام و کمال متوقف شود و بار دیگر تکرار نشود "

تصحیح وپوزش

در صفحه ۱۲ " راه توده " ویژه نامه " هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ، ستون دوم ، ستور ۸ و ۹ باید به صورت زیر خوانده شوند : افسران آزادی خواه و توده های های درینند ، به گونه ای قانونمند در خدمت

کمک مالی به

حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است!

• هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در لولنو (سوئد) هزینه چاپ این شماره " راه توده " را تأمین کردند

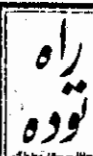
RAHE TUDEH

No. 74

Friday, 6 Jan. '84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.



مردم قهرمان کوبا، . . .

بقیه از صفحه ۷

بهره دهی کار ، کاستن هزینه ها و غیره ادامه یابد . ادامه مسکن سازی و افزایش شتاب آن ، بهبود توزیع کالا های ضروری و سرعت در خدمات و بالا بردن کیفیت کالا های مصرفی از عهده ترین اهدافی است که مردم کوبا در سال های آینده باید بدان دست یابند .

زحمتمندان کوبا با عزمی راسخ برای شکوفا ساختن هر چه بیشتر انقلاب سوسیالیستی خود و تحکیم و پیشرفت بنیه اقتصادی کشور ، مقاومت در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا - که کوبا را به فرود آوردن چماق بزرگ خود تهدید می کند - و یاری و همکاری با جنبش های مترقی در آمریکای مرکزی و جهان به پیشواز ۲۵ -مین سالگرد پیروزی انقلاب خود رفتند .

بی شک این خلق می تواند از هرگونه آزمون تاریخی ، سرفراز و پیروز مند بیرون آید .

سردمداران ج. ا. . .

بقیه از صفحه ۱۴

آزادی و عدالت اجتماعی بلند کرده و جنایات حکومت ج. ا. را در حق آنان افشا نمایند . دکتر " بی شام ساهنی " ، از نیروهای دمکرات خواسته است ، با تمام قوا از جان دمکرات های در بند دفاع و مطالبات زیر را مورد پشتیبانی قرار دهند :

- ۱- قطع فوری شکنجه ها و پایان دادن به بازداشت ها
- ۲- آزادی کلیه زندانیان دمکرات و مترقی در ایران
- ۳- اعزام هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان بین المللی به ایران ، جهت بررسی وضع زندانیان و به ویژه زنان زندانی
- ۴- پایان دادن به تفتیقات در مورد زنان ایران و متوقف ساختن روش های وحشیانه سرکوب در حق اعضای " تشکیلات دمکراتیک زنان ایران "